



مقدمه جامع‌شناسی

(تلخیص)

خلاصه شده از جزوه استاد

درس اول:

کلیات علم جامعه‌شناسی

۱- تعریف جامعه

مجموعه افرادی که نظام‌هایی از روابط متقابل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، خویشاوندی و... آنها را به هم پیوند می‌دهد. حال وقت آن رسیده که چند نمونه از تعاریفی که برای جامعه‌شناسی مطرح شده را برشماریم.

۲- تعاریف جامعه‌شناسی

خواجه نصیر الدین طوسی جامعه‌شناسی (علم مدنی) را چنین تعریف می‌کند: حکمت مدنی... نظر بود در قوانینی کلی که مقتضی مصلحت عموم بود از آن جهت که به تعاون متوجه باشند به کمال حقیقی
ابن خلدون از علم جدیدی که تأسیس کرده به علم العمران نام می‌برد و موضوع آن را اجتماع انسان می‌داند و آن را به مطالعه «همزیستی انسان‌های متعاون در پرتو تقسیم کار اجتماعی» تعریف می‌کند.
آگوست کنت جامعه‌شناسی را دانشی تحقیقی از زندگی اجتماعی معرفی می‌کند که اجتماع را «با روشی علمی و عینی مورد تحقیق قرار می‌دهد».

امیل دروکیم جامعه‌شناسی را به «علم به نهادها و نحوه تکوین آنها» تعریف کرده است
ماکس وبر، جامعه‌شناسی را «علم تحقیق و مطالعه اعمال اجتماعی» می‌داند.
جاناتان ترنر جامعه‌شناسی را «مطالعه سازمان، کنش متقابل و رفتار اجتماعی انسان می‌داند».

بروس کوئن در تعریف جامعه‌شناسی می‌گوید: جامعه‌شناسی را می‌توان «مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها تعریف کرد»....

۳- تعریف مختار

یک نقصی در تمامی این تعاریف، بجز تعریف خواجه نصیر، وجود دارد که آن این است که، هدف از این مطالعه مشخص نشده است. در حالی که این امر بسیار مهمی است که ما جامعه را به چه منظور می‌خواهیم بشناسیم. آیا جامعه را به صرف آن که محل اجتماع انسانهاست برای علمای جامعه‌شناس جذابیت دارد یا خیر. مسلم است که هیچکس قائل نیست که ما وقت و عمر خود را صرف می‌کنیم برای هیچی بلکه همه معتقدند که علوم باید در خدمت انسان‌ها باشند بر همین اساس تصریح به هدف در مطالعه جامعه‌شناسی لازم است.

با این مقدمه در میان فوق تعریف خواجه نصیر چون به هدف غایی در مطالعه جامعه توجه نموده برجستگی خاصی دارد اما اشکال آن است که در گفتمانی غیر از گفتمان امروزی سخن گفته است که می‌توان آن را چنین باز سازی کرد:
جامعه‌شناسی مطالعه نظام‌مند جامعه و پدیده‌های اجتماعی است به منظور شناخت زندگی بهتر، همراه با در نظر گرفتن کمال واقعی انسان‌ها.

۴- ضرورت و اهمیت جامعه‌شناسی

۱. امکان بررسی دقیق و درست جامعه و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی

۲. شناخت مسائل و مشکلات اجتماعی

۳. ارائه راه حل
۴. پیش‌بینی آینده
۵. برنامه‌ریزی اجتماعی

۵- موضوع جامعه‌شناسی

موضوع جامعه‌شناسی عبارت است از رفتار اجتماعی انسان
تعریف رفتار اجتماعی انسان: آن دسته از رفتار های انسانی که در روابط انسان ها با یکدیگر و همچنین بین نهادها، گروه‌ها و
گروههایی‌ها موجود است، رفتار اجتماعی است.

۶- هدف از علم جامعه‌شناسی

هدف از علم جامعه‌شناسی به دو دسته تقسیم می‌شود:
الف) هدف نظری: تبیین نظری رفتارهای اجتماعی انسان‌ها و کشف قوانین حاکم بر رفتار جمعی انسان
ب) هدف عملی: بهره‌گیری از این تبیین‌ها و قوانین نظری برای حل مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی

۷- ارتباط جامعه‌شناسی با سایر علوم

علوم به دو شاخه کلی علوم انسانی و علوم طبیعی تقسیم می‌شود
جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم انسانی است
سایر شاخه‌های علوم انسانی عبارتند از: روان‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، جغرافیای انسانی، مدیریت،
تاریخ، و ...
و از آنجایی که شناخت انسان و امور اجتماعی او به یک علم محدود نمی‌شود لذا طبیعی است که برای شناخت همه ابعاد انسان،
باید از همه این علوم انسانی را کمک گرفت و جامعه‌شناسی بخشی از ابعاد وجودی انسان را برای ما روشن می‌کند.

۸- ارتباط جامعه‌شناسی با علوم سیاسی

رابطه جامعه‌شناسی با علوم سیاسی از همه شاخه‌های دیگر علوم اجتماعی قوی‌تر است زیرا:
اولاً واحدهای مشترک این دو علم بیشتر از سایر شاخه‌های علوم انسانی است (مثل جامعه‌شناسی انقلاب، جامعه‌شناسی سیاسی، و ...)
ثانیاً با توجه به نقش محوری مردم در امور سیاسی امروزه فهم جامعه‌شناسی برای یک اندیشمند سیاسی ضروری‌ترین چیزهاست.
لذا یک دانشمند علوم سیاسی بدون توجه به جامعه‌شناسی تنها در حوزه‌های محدودی از علوم سیاسی مثل حوزه فلسفه سیاست یا
اندیشه سیاسی می‌تواند فعالیت کند و سایر حوزه‌ها مثل امور بین‌الملل، مسائل ایران، احزاب و ... نیازمند جامعه‌شناسی خواهد
بود.

۹- اهمیت جامعه برای انسان

اهمیت جامعه برای انسان وقتی روشن می‌شود که بدانیم که:

اولاً، انسان موجودی است که حتی ویژگی‌های فیزیکی و توانایی‌های شخصی خود را از جامعه یاد می‌گیرد
 ثانیاً، انسان موجودی اجتماعی است که در صورت زندگی فردی از تامین نیازهای مادی خود نیز بر نخواهد آمد
 ثالثاً، انسان نیازهای عاطفی دارد که تنها در جامعه قابل ارضا است
 رابعاً، انسان یک موجود کاملاً مادی نیست و نیازهای معنوی دارد و همچنین استعدادهای معنوی دارد که زمینه رشد بعد معنوی
 انسان تنها در جامعه به حدّ کمال خواهد رسید.
 خامساً، انسان‌ها علاوه بر شخصیت فردی به نوعی دارای شخصیت جمعی می‌باشد که در جامعه شکل می‌گیرد.

سوالات این درس

- (۱) جامعه را تعریف کنید
- (۲) همراه با ذکر تعاریف مختلف از جامعه شناسی تعریف خود از جامعه را بیان کرده و دلایل خود برای ترجیح این تعریف بیان کنید:
- (۳) چرا جامعه‌شناسی مهم است
- (۴) موضوع جامعه‌شناسی را بیان کنید
- (۵) هدف از مطالعه جامعه‌شناسی چیست؟
- (۶) در مورد رابطه علم جامعه‌شناسی با سایر علوم از جمله علوم سیاسی چه می‌دانید؟

درس دوم:

شیوه‌های مطالعه و پژوهش رفتارهای اجتماعی

۱- **تعریف روش تحقیق:** روش، فرایندی از جستجو و کاوش است که ذهن با دنبال کردن آن معلومات خودش را نسبت به یک چیز افزایش می‌دهد.

۲- **فرضیه چیست؟** یک فرضیه یک تصور علی- معلولی یا فرضی در مورد همبستگی متقابل پدیده‌ها است. فرضیه در ابتدا یک گزارش و خبر احتمالی است بدین معنی که صدق و کذبش هنوز تصدیق نشده است و به همین خاطر مراحل از تحقیق و بررسی وجود دارد که هدف از آنها تأیید یا تکذیب آن فرضیه است.

۳- نقش فرضیه در تحقیق اجتماعی

فرضیه‌های مفید و خلاق به طور کلی چیزهایی نیستند که برای یک فرد عامی و ناوارد پیش بیاید. بی تردید فرضیه‌ها نشأت گرفته از یک سلسله استدالات عقلی همراه با با تکیه بر مقدماتی است که از یک مطالعه، مشاهدات، آزمایشات و جمع اطلاعات بارور شده عمیق در زمینه تحقیق می‌باشد.

بنابراین، فرضیه همان قیاس عقلی با استفاده از مقدمات ظنی و احتمالی است منتهی چون موضوع یک موضوع اجتماعی و تجربی است باید توسط سازو کارهای تجربی این قیاس عقلی (که جدلی و خطابی است)، ثابت شود.

۴- نقش مفاهیم در تحقیق اجتماعی

۱. جهت جلوگیری از ابهام و مغالطه در فهم استدالات و فرضیه‌ها تعریف شرح الاسمی از الفاظ لازم است
۲. مشخص کردن معانی لفظ در اصطلاح علم خاص (جامعه‌شناسی)
۳. روشن کردن مراد نویسنده از طرح یک لغت

۵- تعریف عملیاتی چیست؟

تعریف عملیاتی عبارت است از بر شمردن شاخصه‌های بیرونی و خارجی یک مفهوم به عنوان مثال اگر بخواهیم مفهوم دین‌داری را تعریف عملیاتی کنیم. باید بگوییم که شاخصه‌های دین‌داری عبارت است از: نماز خواندن، روزه گرفتن، اعتقاد به خدا و روز قیامت، تلاش در یاری رساندن به سایر مسلمانان، تنفر از کفر و شیطان

۶- مهم‌ترین حوزه‌های تحقیق در جامعه‌شناسی

۱. روش‌های تجربی و اثباتی: روش‌های تجربی به دو قسم تجربه گراهای افراطی یا اثبات‌گرایان و تجربه گرایان معتدل تقسیم می‌شوند

۲. اثبات‌گراها بطور خیلی عام از همان اقسام روش‌های تحقیقی که دانشمندان علوم طبیعی همانند (فیزیکدان‌ها، زیست‌شناسان و غیره) پیروی می‌کنند و معتقدند که این بهترین روش برای فهمیدن جامعه می‌باشد. اینان به تجربه‌های شخصی افراد واقعی

- نمی‌نهند و عامل فرهنگ و اختصاصات انسانی را نادیده می‌گیرند. در حالی که تجربه گرایان معتدل علاوه بر استفاده از روش‌های اثبات‌گرها از تجارب شخصی نیز استفاده می‌کنند.
۳. **روش معنا‌گرایی یا تفهیمی:** این جامعه‌شناسان قبول ندارند که وام گرفتن روشهای علوم طبیعی بهترین روش برای درک کردن زندگی اجتماعی می‌باشد. آنها ترجیح می‌دهند که تلاش کنند که خودشان را در اذهان مردمی بگذارند که رفتارشان ممکن است نزد ما غیر معمول یا جرم باشد. برای مثال برای اینکه بفهمند که چرا جوانان خاصی مرتکب اعمال خرابکاری (تخریب اموال عمومی) یا درگیری در مسابقات فوتبال می‌شوند، جامعه‌شناسان به آنها پیوسته و سعی می‌کنند تا بیابند که آنها دقیقاً چگونه می‌اندیشند. روش استفاده شده، همانطور که در بالا توصیف شد، بعنوان «مشاهده مشارکتی» شناخته می‌شود.
۴. **روش‌های هرمنوتیک:** این روش بیشتر در جاهایی کاربرد دارد که محقق با متون قدیمی سروکار دارد در این موارد محقق اقدام به تفسیر متن کرده و سعی می‌کند بتواند منظور واقعی نویسنده را استخراج نماید.
۵. **روش مقایسه‌ای (تطبیقی):** تجزیه و تحلیل تحولات اجتماعی در طول تاریخ به کمک متدهای چندی انجام گرفته است اما از این میان، بیشتر متدهای مقایسه‌ای توسط جامعه‌شناسان طرفداری و دنبال شده است. متدهای مقایسه‌ای مستلزم مطالعه و بررسی موبه موی گروه‌های مختلف، مجتمعات، جوامع و مؤسساتی که دارای الگوهای قابل ملاحظه (مهم) متشابه باشند، می‌باشد چرا که اختلاف کلی و اساسی مانع مقایسه و تطبیق است اما اختلافات نسبی به ما امکان می‌دهد که عواملی که موجب اختلاف در ساختار و روند حوادث می‌شود، تعیین کنیم. متد مقایسه‌ای اگر چه بطور گسترده‌ای در مورد مطالعه‌ی جوامع معاصر به کار گرفته می‌شود اما این کاربرد موجب انحصار به کارگیری این متد در جوامع معاصر نیست و از این رو است که داده‌های تاریخی در متد مقایسه‌ای نقش مهمی را ایفا می‌کنند.
۶. **روش‌های قیاسی:** در این روش محقق با توجه به شواهد یا ادله بدست آمد اقدام به استدلال عقلی می‌کند. در این روش سیر قضایا از کلی به جزئی است یعنی ابتدا یک کلی قضیه بدیهی، از قبل داریم (قضایای بدیهی قضایای صریح و روشنی هستند که تصدیق آن‌ها در خود آن قضیه‌ها است مثل قضیه «کل بزرگتر از جزء خودش است») دانشمند تلاش دارد تا با یافتن مصادیق و زیر مجموعه‌های این قضیه، به استدلال بپردازد. پس سیر منطقی در این روش از کلی به جزئی است و شرح جزئیات آن در منطق صوری آمده است.
۷. **روش‌های شهودی:** شهود یعنی علم حضوری به معلوم از طریق مجاهدات نفسانی یا افاضه الهی به دو قسم شهود معصوم و شهود غیر معصوم تقسیم می‌شود هرچند شهود ممکن است واقعیت را نشان دهد اما تنها آن قسم دارای حجیت علمی است که استناد به شهود معصوم داشته باشد. و حجیت شهود معصوم نیز در جای خود ثابت شده است. شهود معصوم اعم از وحی (قرآن) و احادیث معتبر و یقینی است که به حدّ تواتر یا استفاضه رسیده باشد.
- اما شهود غیر معصوم: از آنجایی که می‌تواند مشوب به الهامات شیطانی باشد و حجیت آن برای سایرین هنوز ثابت نشده، لذا در حدّ فرضیه قابل استفاده است یا تنها برای شخص شهود کننده حجت خواهد بود اما برای دیگران باید به کمک سایر روش‌ها مانند روش‌های عقلی یا تجربی یا به استناد شهود معصوم اثبات گردد والا در مجامع علمی قابل پذیرش نخواهد بود.

۷- تکنیک‌های تحقیق تجربی در علوم اجتماعی

۱. **بررسی‌های موردی** عبارت است از: عمومی‌ترین روش تحقیقی که در جامعه‌شناسی بکار برده می‌شود، عبارت است از «تحقیق پیمایشی» و معروفترین نمونه آن «نظر سنجی» می‌باشد. که اغلب برای پیش‌بینی نتایج انتخابات از آن استفاده می‌شود.

یک بررسی موردی صرفاً مجموعه‌ای از سؤالات است که در مورد یک گروه از انسانهایی که می‌خواهید در باره آنها تحقیق کنید، بکار می‌رود. (که اصطلاحاً در جامعه‌شناسی به «جمعیت آماری» معروف است).

اشکال اساسی بررسی‌های موردی آن است که فقط عقاید مردم را در زمان دقیق بررسی نشان می‌دهد

۲. **بررسی‌های طولی:** عبارتست از بررسی گروه‌های انسانی که سالیانی چند طول می‌کشد. یک مثال معروف از این نوع بررسی مجموعه برنامه‌های تلویزیونی «سون آپ» در انگلیس می‌باشد، که پدیده امروزی سازی را در زندگی یک گروه از مردم، هر ساله از زمانی که آنها هفت ساله بوده‌اند تاکنون در معرض پخش این برنامه بوده‌اند جهت سنجش تأثیر طبقه اجتماعی بر زندگی آنها، مورد مطالعه قرار می‌دهد.

فواید بررسی‌های طولی:

(۱) بررسی یک مسئله در یک دوره زمانی طولانی است.

(۲) دیگر ارزان بودن آن است که معمولاً از طریق پست انجام می‌شود.

(۳) مشکل اصلی بررسی طولی: انصراف عده‌ای از مردم از ادامه کار.

۳. **بررسی‌های مقدماتی:** این امر که یک محقق چقدر توانایی دارد مهم نیست او قادر خواهد بود که پیش بینی کند که افراد چگونه سؤالاتی را که در مصاحبه‌ها و یا پرسشنامه‌ها از آنها پرسیده می‌شود تغییر می‌کنند، و همینطور نمی‌تواند پیش‌بینی کند که فهم چه کلمات و اصطلاحاتی برای آنها مشکل خواهد بود. علاوه بر این افرادی را که برای مصاحبه انتخاب شده‌اند احتمالاً افراد مناسبی برای منظور ما نباشند. در برنامه مصاحبه‌ها پرسشنامه باید یک استفاده آزمایشی قبل از اینکه بطور اصلی بکار گرفته شود مورد استفاده آزمایشی واقع شود. این تمرین بررسی مقدماتی نامیده می‌شود.

۸- شیوه‌های نمونه‌گیری

نمونه‌گیری تصادفی: این نمونه‌گیری بر این ایده استوار است که چنانچه اگر شما افراد نمونه را بطور کاملاً تصادفی برگزینید، (مثلاً وقتی که شما یک سکه را می‌اندازید نتیجه شیر یا خط بودن آن تصادفی است) بنابراین احتمالاً به نمونه‌ای می‌رسید که آینه جمعیت مورد نظر می‌باشد. بطوری که هر شخص شانس برابر برای انتخاب شدن دارد.

۹- انواع نمونه‌گیری تصادفی

۱. **نمونه‌گیری تصادفی ساده:** در این نوع نمونه‌گیری بدون در نظر گرفتن هیچ نوع ویژگی برای افراد، از بین لیست، قرعه کشی می‌کنیم. به این معنا که تمامی افراد جامعه آماری مورد نظر شانس مساوی برای انتخاب شدن دارند و هیچ خصوصیتی مثل زن بودن یا مرد بودن یا ... موجب نمی‌شود که قرعه کشی جداگانه‌ای صورت گیرد.

۲. **نمونه‌گیری سهمیه‌ای:** این شکل نمونه‌گیری توسط بسیاری از شرکتهای تحقیق تجاری بازار بکار گرفته می‌شود. زیرا دقیق‌تر و کم هزینه می‌باشد. این نوع نمونه‌گیری در جایی بکار گرفته می‌شود که ما بدانیم که جمعیت آماری مرکب از دو یا چند گروه با خصیصه‌های ویژه می‌باشند بنابراین، باید به هر کدام از گروه‌ها متناسب با تعدادشان در نمونه سهمی داده شود

۳. **نمونه‌گیری طبقه‌ای:** این نمونه‌گیری در جایی استفاده می‌شود که طبقه اجتماعی جمعیت آماری برای محقق مهم باشند در این صورت ابتدا اول جمعیت را بصورت گروههایی بر اساس طبقه اجتماعی آنها تقسیم می‌کنند و سپس بطور تصادفی در درون

طبقه اجتماعی گروهها دست به انتخاب می‌زنند. این روش شاید دارای دقت بیشتری باشد، این «نمونه گیری طبقه‌ای» نامیده می‌شود.

۴. **نمونه گیری خوشه‌ای:** گاهی اوقات مردمی را که می‌خواهید با آنها مصاحبه کنید، در یک منطقه وسیعی پراکنده‌اند در این مورد شما می‌توانید فقط چند مکان را بطور تصادفی انتخاب کنید و سپس بطور تصادفی یک تعداد از افراد در درون این مناطق را برگزینید. در این روش جمعیت مورد مطالعه شما، در درون چند دسته قرار می‌گیرد. این عمل «نمونه گیری خوشه‌ای» نامیده می‌شود.

۵. **نمونه گیری چند دوره‌ای:** سرانجام ممکن است بخواهید بعد از بررسی ابتدائی خود، برگشته و از بعضی از مردم سؤالات مفصل‌تری بپرسید. برای انجام اینکار چند تا از نمونه‌های اولیه خودتان را بطور تصادفی انتخاب کرده و با آنها مصاحبه کنید. این کار «نمونه گیری چند دوره‌ای» نامیده می‌شود.

۱۰- پرسش‌نامه

پرسش‌نامه‌ها عبارت از سؤالاتی است که در اختیار پاسخ‌گو قرار داده شده و از او خواسته می‌شود که به آن‌ها پاسخ دهد پرسشنامه‌ها معمولاً توسط پست یا به صورت دستی در اختیار مردم قرار می‌گیرند. ماهیت یک پرسشنامه خوب عبارتست از پرسشنامه‌ای که دقیقاً سؤالات درستی را می‌پرسد تا از اطلاعاتی که شما می‌خواهید کشف کنید تا حدالامکان در لحنی ساده و روشن و کوتاه پرده بردارد.

محسنات پرسش‌نامه:

۱. پرسش‌نامه‌ها سؤالاتی روشن و ساده هستند که به راحتی می‌توان پاسخ داد.
۲. پرسشنامه‌ها معمولاً توسط پست یا به صورت دستی در اختیار مردم قرار می‌گیرند.
۳. پرسشنامه‌ها برای مطالعه دامنه وسیع گروه‌های انسانی بسیار مفید هستند.
۴. ارزان و کم هزینه می‌باشند.
۵. مردم سؤالات خجالت‌آوری که در یک پرسشنامه گنجانیده شده پاسخ خواهند داد.

معایب پرسش‌نامه:

۱. بیشتر مردم به خود زحمت بازگرداندن پرسشنامه را نمی‌دهند.
۲. در پرسشنامه رفتن به عمق (بررسی عمیق) مشکل است.
۳. هرگز نمی‌توانید مطمئن باشید که شخصی را که شما می‌خواهید پرسشنامه را پر کند واقعاً این کار را انجام می‌دهد.

۱۱- مصاحبه

اگر موضوع تحقیق پیچیده باشد یا لازم باشد که یک بررسی به سرعت انجام شود در این صورت جامعه‌شناسان معمولاً از مصاحبه استفاده می‌کنند، مصاحبه می‌تواند بسیار به شدت سازمان یافته باشد، البته همراه با مصاحبه‌گری که سؤالاتی را از یک پرسشنامه آماده می‌خواند، یا مصاحبه می‌تواند خیلی باز باشد، با استفاده از مصاحبه‌گری که فرصتی به او داده می‌شود تا سؤالات اضافی بپرسد یا سؤالات مشکل را به بیان واضح‌تر بگوید. مورد اول مصاحبه «ساخت یافته» و مورد دوم به عنوان مصاحبه «ساخت نیافته» نامیده می‌شود.

محاسن مصاحبه:

۱. اگر موضوع تحقیق پیچیده باشد یا لازم باشد که یک بررسی به سرعت انجام شود.
۲. برای آزمایش کردن مسائل پیچیده مصاحبه‌گر می‌تواند مشاهدات خودش را با جواب‌های پاسخ دهندگان مقایسه کند. تا ببیند که آنها تا چه اندازه حقیقت را می‌گویند
۳. نرخ پاسخ در مصاحبه نسبت به نرخ پاسخ در وقتی که از پرسشنامه استفاده می‌شود خیلی بالاتر است.

معایب مصاحبه:

۱. در بسیاری از مواقع ممکن است مصاحبه‌گر پاسخ‌گران را به گونه‌ای تحت تأثیر خود قرار دهد.
۲. استخدام مصاحبه‌گر تعلیم دیده نیز گران می‌باشد

۱۲- آزمایش

هرچند از آزمایش در علوم طبیعی در سطح وسیع استفاده می‌شود اما در جامعه‌شناسی به ندرت از آن استفاده می‌شود، زیرا کار جامعه‌شناسان اینست که رفتار مردم را به طور طبیعی و در زندگی روزمره خودشان مورد مطالعه قرار می‌دهند. اگر مردم در یک موقعیت مصنوعی و ساختگی به منظور دیدن واکنشهای آنها قرار بگیرند، به طور طبیعی رفتار نخواهند کرد.

۱۳- منابع ثانوی

۱. آمارهای دولتی
۲. اسناد تاریخی
۳. گزارش‌های روزنامه و تلویزیون
۴. داستان‌های نوشته شده بر اساس واقعیت و خود زندگی‌نامه‌ها.

اشکالات منابع ثانوی

مشکلات منابع ثانوی عبارتند از این که این منابع معمولاً برای دلایل روشن و خاصی توسط مردمی که انگیزه‌های متفاوتی دارند گردآوری شده‌اند. یک یادداشت روزانه یک «زندگینامه خود نوشت» ، یا یک رمان ممکن است ارزش‌ها و تعصبات نویسنده را منعکس کند. از این روی چه قدر می‌توان به این منابع ثانوی اعتماد داشت. آمارهای راجع به جرم کمتر انعکاسی از این که چه مقدار جرائم در سال انجام می‌گیرد می‌باشد. بلکه بیشتر انعکاسی است از این که چه مقداری از جرائم عملاً به پلیس گزارش می‌شوند. (و ما می‌دانیم که اکثر جرائم گزارش نمی‌شوند.) و این که پلیس چه مقدار از این گزارش‌ها را جدی می‌گیرد

۱۴- انواع مشاهده**الف) مشاهده مشارکتی (مشارکتی پنهان و آشکار)**

انواع مشاهده مشارکتی: در مشاهده مشارکتی پنهان گروه مورد مطالعه اطلاعی از اینکه یک فرد محقق بین آنها حضور دارد و عضو گروه آنها شده است ندارد اما در مشاهده مشارکتی آشکار فرد محقق به آنها اعلام می‌کند که قصد دارد به منظور مطالعه رفتار آنها مدتی را با آنها زندگی کند

محاسن و معایب: فایده‌اش اینست که محقق به راحتی چیزهایی را که کنشگر مخفیانه انجام می‌دهد خواهد دید. ولی ممکن است محقق به گونه‌ای تحت تأثیر قرار گیرد که تحقیق او بسیار جانبدارانه به نفع گروه مذکور و یا متعصبانه علیه آنها تبدیل شود.

(ب) مشاهده غیر مشارکتی (مثل پرنده ای روی دیوار)

محاسن و معایب: به مراتب خطر جانبداری از گروه کمتر بوده بطوری که نتایج عینی‌تری ببار خواهند آورد ولی شانس فهمیدن تمام چیزهایی که گروه تحت مطالعه انجام می‌دهد کمتر است، زیرا اولاً محقق نمی‌تواند احساسات آنها را درک کند و ثانیاً چه بسا حضور یک فرد بیگانه مشاهده‌گر فعالیت‌های گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سوالات این درس

- ۱) روش تحقیق را تعریف کنید
- ۲) فرضیه چگونه در یک تحقیق نقشی اساسی دارد؟
- ۳) چرا در یک تحقیق تعریف مفاهیم مهم است؟
- ۴) مهم‌ترین حوزه‌های تحقیق در جامعه‌شناسی را نام ببرید
- ۵) روش‌های تجربی و اثباتی کدامند؟ شرح دهید
- ۶) روش معنا‌گرایی یا تفهومی چگونه به ما در انجام یک تحقیق شایسته کمک می‌کند؟
- ۷) روش‌های هرمنوتیک و روش‌های مقایسه‌ای چه تفاوتی با هم دارند.
- ۸) روش شهودی چیست؟ و چه تفاوتی با سایر روش‌ها دارد؟
- ۹) روش قیاسی در کجای تحقیق به کار می‌آید؟
- ۱۰) بررسی‌های موردی چیست؟ و چه اشکال اساسی بران وارد است؟
- ۱۱) معایب و محاسن بررسی‌های طولی را برشمارید
- ۱۲) بررسی مقدماتی چیست؟
- ۱۳) شیوه‌های متفاوت نمونه‌گیری را نام ببرید:
- ۱۴) انواع نمونه‌گیری تصادفی را نام برده شرح دهید:
- ۱۵) چرا پرسش‌نامه بر مصاحبه ترجیح داده می‌شود؟
- ۱۶) اشکالات اساسی مصاحبه‌ها برشمارید:
- ۱۷) درباره آزمایش در علوم اجتماعی چه می‌دانید؟
- ۱۸) چگونه می‌توانیم از منابع ثانوی استفاده کنیم؟
- ۱۹) انواع مشاهده را نام برده و بگویید از مشاهده مشارکتی کجا باید استفاده کرد؟

درس سوم:

فرهنگ

۱- رفتار آدمیان از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟

۱. **غریزه:** در این رویکرد اعتقاد بر این است که انسانها با امیال طبیعی و غرایز غیر قابل کنترل، زاده می‌شوند. بنابراین وقتی که زنی کودکی را در آغوش می‌فشرد، این امر پاسخی به غریزه طبیعی مادری او می‌باشد.
۲. **غریزه و فطرت:** عامل دیگری به نام فطرت و گرایش‌های فطری را اضافه می‌کند. فطرت در نظریه اینان عبارت است از: تمایلات و گرایش‌های انسانی و معنوی که در سنین بعد از بلوغ در انسان بوجود می‌آید. مثل عدالت طلبی، حق‌جویی، نوع دوستی، دادگری و اخلاق‌گرایی و تمامی رفتار انسان‌ها را استناد به این دو عامل می‌کنند.
۳. **اجتماع (فرهنگ و جامعه پذیری):** از جامعه‌شناسان اثبات‌گرا معتقدند که: هر چیزی و رفتاری که از انسان سر می‌آید نتیجه یادگیری است جامعه می‌تواند انسان را جوری تربیت کند که با غرایز خود جنگ کند و تمام عمر اصلاً فعالیت جنسی نداشته باشد یا روزها غذا نخورد و هم‌چنین جامعه می‌تواند انسان را جوری تربیت کند که هیچ علاقه‌ای به مسائل معنوی و فطری در خود احساس نکند.
۴. **اجتماع در طول دو عامل غریزه و فطرت به رفتار انسان شکل می‌دهد:** به این معنا که انسان در جامعه می‌آموزد چگونه غرایز نفسانی و حیوانی خود را ارضا نماید مثلاً ازدواج کند یا همخوانگی داشته باشد و هم‌چنین جامعه به فرد یاد می‌دهد که چگونه به احساس‌های انسانی و فطری خود پاسخ دهد. مثلاً نماز بخواند یا کلیسا رود. بنابراین جامعه از آن دو مهم‌تر است. زیرا انسان غریزه و فطرت مثل ماده خامی از درخواست‌ها و تمایلات را شکل می‌دهند که تنها در سایه جامعه می‌تواند صورت خاصی گرفته و وقوع یابد.

۲- فرهنگ

تعریف فرهنگ: فرهنگ عبارت از مجموعه‌ای تام و تمام از عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و دست-آورد‌های مادی و غیر مادی که به مردم می‌گوید که چگونه باید در جامعه رفتار کنند.

۳- عناصر فرهنگ:

۱. **عقاید:** به نگرش انسان به جهان پیرامون او عقاید گفته می‌شود (جهان‌بینی).
۲. **ارزش‌ها:** به احساسات ریشه‌دار و عمیقی که اعضای جامعه در آن شریکند مثل عفت برای زنان و غیرت برای مردان، ارزش می‌گوییم.
۳. **هنجار:** الگوهای رفتاری مورد انتظار را هنجار می‌گوییم. رفتار خلافی که قبح آن از بین برود هنجار می‌شود.
۴. **آداب و رسوم:** شیوه‌های رفتاری عادی که در جامعه رواج دارد، آداب و رسوم گفته می‌شود. فرق آداب و رسوم با هنجار این است که هنجارها دائمی بوده و در جای جای زندگی انسان‌ها جریان دارند. ولی آداب و رسوم هرچند از هنجارها برخاسته‌اند اما مقطعی بوده و در موقعیتهای خاصی انجام می‌شوند مثل مراسم عزاداری سالار شهیدان یا مراسم شب عید نوروز و ...

۴- خرده فرهنگ:

تعریف خرده فرهنگ: به مجموعه‌ای متمایز از ارزش‌ها در درون فرهنگ اصلی، خرده فرهنگ گویند. انواع خرده فرهنگ‌ها به لحاظ جهت‌گیری فرهنگی:

۱. **خرده فرهنگ خنثی:** برخی از خرده فرهنگ‌ها صرفاً در برخی از عناصر فرهنگی مثل برخی از عادات و رسومات، متفاوت از فرهنگ اصلی می‌باشند و در ذیل آن قرار می‌گیرند، اما نسبت به آن جهت‌گیری خاصی ندارند مثل گروه‌های قومی
۲. **خرده فرهنگ اصلاح‌گر:** برخی از خرده فرهنگ‌ها در صدد اصلاح و رشد فرهنگ مادر می‌باشند که اصطلاحاً به این‌ها خرده فرهنگ‌های اصلاح‌گر می‌گوییم
۳. **خرده فرهنگ منحرف:** برخی از خرده فرهنگ‌ها هنجارها و ارزش‌های فرهنگ مادر را زیر پا می‌گذارند ولی داعیه تغییر فرهنگ مادر را نیز ندارند که به این‌ها خرده فرهنگ منحرف می‌گویند
۴. **خرده فرهنگ معارض:** برخی از خرده فرهنگ‌ها در صدد نابودی فرهنگ مادر بوده و خواهان جایگزین شدن آن توسط فرهنگ‌های رقیب می‌باشند که به این نوع خرده فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ معارض می‌گوییم. مثل گروه‌های غربگرای دوره رضاخان.

۵- ضد فرهنگ

تعریف ضد فرهنگ: به خرده فرهنگی که دائماً با فرهنگ غالب جامعه در جدال و ستیز باشد ضد فرهنگ می‌گویند. رفتار طبیعی و رفتار غیر طبیعی و تفاوت آن با رفتار درست و نادرست: معمولاً در جامعه مردم رفتار افراد منحرف و بزهکار را رفتاری غیر طبیعی می‌شمارند و رفتار افراد راست رو را رفتاری طبیعی می‌دانند اما باید توجه داشت که بسیاری از افراد بزهکار طبق هنجارهای خرده فرهنگ خود رفتار می‌کنند. بنابراین، رفتار آن‌ها در بین خودشان رفتاری طبیعی شمرده می‌شود. هرچند رفتار آن‌ها برای بیشتر اعضای جامعه رفتاری غیر طبیعی شمرده می‌شود.

۶- تنوع فرهنگی

گوناگونی فرهنگ انسانی بسیار چشمگیر است. ارزش‌ها و هنجارهای رفتار از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار فرق می‌کنند. عوامل پیدایش تنوع فرهنگی:

در دو عرصه "زمان" و "مکان" شاهد تنوع فرهنگی هستیم مثلاً ایران در زمان‌های مختلف دارای فرهنگ‌های مختلف بوده است یا مثلاً در زمان واحد دو نقطه متفاوت کره زمین دارای دو فرهنگ کاملاً مجزا هستند.

۷- تغییر فرهنگی

هرجا که عناصر و مجموعه‌های نو در فرهنگی ظاهر شود در این صورت محتوا و ساخت فرهنگ عوض می‌شود در این هنگام می‌گویند: تغییر فرهنگی رخ داده است.

عوامل تغییر فرهنگی

۱. **تکنولوژی:** ورود یا اختراع تکنولوژی جدید موجب تغییراتی در سایر عناصر فرهنگی خواهد شد. مثلاً ورود تکنولوژی در جنگل‌های افریقا موجب نابودی فرهنگ‌های بدوی که زندگی وابسته به جنگل و شکار داشتند، شد.

۲. **نیازهای جدید جامعه:** نیازهای جدید موجب تغییرات فرهنگی می‌شود به عنوان مثال نیاز به ابزار و لوازم جدید اختراعات و رشد تکنولوژی را در پی خواهد داشت. و تکنولوژی نیز به نوبه خود موجب تغییرات فرهنگی می‌شود.

۳. محیط طبیعی

۴. **هجوم فرهنگی عوامل بیگانه** که این هجوم یا مستقیم است مثل پخش امواج از طریق رادیو، ماهواره و...؛ یا غیر مستقیم است. همانند پرورش افرادی از کشور قربانی به منظور ترویج فرهنگ بیگانه. در ایران تحصیل کردگان غربی نقش اساسی در اشاعه فرهنگ فرنگی‌مآب در کشور داشتند

۵. **اندازه جمعیت:** افزایش جمعیت موجب افزایش تقسیم کار و افزایش تقسیم کار تغییر در مناسبات فرهنگی را بدنبال خواهد داشت. بیان دیگر این که، جمعیت اگر کم باشد امکانات سرانه بیشتر است؛ اما اگر تعداد جمعیت زیاد باشد برای سیر کردن جمعیت زیاد برنامه ریزان، تلاش خواهند کرد تا از طریق اصلاح بذر و بالا بردن تکنولوژی مقدار مواد غذایی بیشتری تولید کنند.

۸- نسبت فرهنگی

- **تعریف نسبت فرهنگی:** داوری در باره معنا و ارزش هر عنصر فرهنگی را باید در خصوص زمینه فرهنگی آن انجام داد.
 - **رابطه نسبت فرهنگی با پلورالیسم دینی:** نسبت فرهنگی مبتنی است بر این که همه فرهنگ‌ها و اجزای آن را دستارود بشری فرض می‌کند، و ادیان را یکی از عناصر فرهنگی جوامع می‌دانند که برای گذران زندگی دنیایی اختراع شده است و نقش وحی را بکلی منکر می‌شود. بنابراین، می‌گویند که هیچ دینی حق برتری فروشی بر دین دیگر را ندارد زیرا همه ادیان برای گذران زندگی مادی بشر توسط بشر اختراع شده و هر دینی در ظرف فرهنگی خودش دارای کارایی است و نیازهای دنیایی مردم آن فرهنگ را برطرف می‌کند.
 - **نقد نسبت فرهنگی:** بنابراین، با اثبات وحی - که بحث مفصل آن در کلام آمده است - تمام فرهنگ‌ها برابر نیست؛ بلکه خداوند برای سعادت واقعی انسان‌ها یک سری دستورالعمل صادر کرده و ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را ترویج کرده است. پس آن-چه وحی و دین آورده دارای ارزش مطلق بوده و نسبی نیست، بلکه در راستای سعادت حقیقی بشر از طرف خالق بشر وضع شده است. اما در عین حال باید توجه داشت که فرهنگ اسلام غیر از فرهنگ مسلمان است. و تنها آن بخشی از فرهنگ که منسوب به وحی است دارای ارزش مطلق است و آن بخشی که منسوب به مسلمان است، نسبی می‌باشد.
- بنابراین، در نسبت فرهنگی باید تجدید نظر کرد؛ و آن بخشی از ارزش‌ها و هنجارها که بطور قطع منسوب به وحی باشد را باید استثنا دانست.

۹- **قوم مرکزی:** اگر افرادی فرهنگ خود را بدون دلیل (ی که در بالا برشمردیم) از سایر فرهنگ‌ها برتر بداند دچار قوم مرکزی شده است.

۱۰- **ضربه فرهنگی:** جای اتفاق می‌افتد که یک فردی در فضای فرهنگی واقع شود که هیچ وجه مشترکی با آن فرهنگ ندارد.

سوالات این درس

- (۱) به نظر شما چه چیزهایی رفتار آدمیان را شکل می‌دهد؟ مقدار تأثیر فرهنگ (یادگیری) و غریزه را شرح دهید:
- (۲) فرهنگ را تعریف کنید:
- (۳) خرده فرهنگ چیست؟
- (۴) انواع خرده فرهنگ‌ها را شرح دهید
- (۵) رفتار طبیعی و رفتار غیر طبیعی چه تفاوتی با رفتار درست و نادرست دارد؟
- (۶) ضد فرهنگ را تعریف کنید:
- (۷) دو عامل مهم در تنوع فرهنگی را برشمرده شرح دهید:
- (۸) عوامل تغییر فرهنگی را برشمرده و هر کدام را به تفصیل شرح دهید:
- (۹) نسبت فرهنگی چیست؟ و چه ارتباطی می‌تواند با بحث نسبیت دینی (پلورالیسم دینی) داشته باشد؟
- (۱۰) قوم مرکزی را تعریف کنید
- (۱۱) وقتی می‌گویند فلانی دچار ضربه فرهنگی شده یعنی چه؟

درس چهارم: جامعه‌پذیری

۱- **تعریف جامعه‌پذیری:** جامعه‌پذیری به فرآیند رفتاراجتماعی گفته می‌شود که از بدو تولد شروع شده و تا هنگام مرگ ادامه دارد.

۲- جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه:

جامعه‌شناسان در جوامع مدرن، بین «جامعه‌پذیری اولیه» و «جامعه‌پذیری ثانویه» تفاوت قائل می‌شوند.

۱. **جامعه‌پذیری اولیه:** عبارتست از آموزش رفتار اجتماعی از ناحیه نزدیکترین افراد به فرد که شکل خودمانی نیز دارد مثل خانواده و دوستان.

۲. **جامعه‌پذیری ثانویه:** عبارتست از آموزش‌های قواعد اجتماعی که از طریق مراکز رسمی همانند مدرسه و محل کار انجام می‌گیرد و مهم‌تر از همه در رسانه‌های گروهی [تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، و جراید] روی می‌دهد. جامعه‌پذیری سیاسی از قبیل قسم دوم است.

۳- رابطه ارضای نیازهای مادی و معنوی و جامعه‌پذیری

افراد با درونی ساختن فرایند اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) می‌آموزند که چگونه به نیازهای زیستی و روحی خود به نحوی که از لحاظ اجتماعی پذیرفتنی باشد، پاسخ گویند. مثلاً طبق آموزه‌های جامعه خود همسرگزینی می‌کنند یا طبق آموزه‌های جامعه خود اقدام به پرستش می‌نمایند و دین‌داری افراد متأثر از محیط زندگی آنهاست.

۴- رابطه هنجارها و جامعه‌پذیری

انسان‌ها از طریق جامعه‌پذیری می‌آموزند که چه رفتاری درست است و چه رفتاری نادرست است. یعنی جامعه توسط جامعه‌پذیری به افراد می‌آموزد که انتظار دارد آنها چگونه رفتار کنند، لذا جامعه‌پذیری سنگ بنای اولیه یادگیری هنجارها و ارزش‌هاست.

۵- هدف‌های جامعه‌پذیری

۱. آموختن مهارت‌های لازم؛
۲. برقراری ارتباط با دیگران مثل یاد گرفتن زبان و یاد گرفتن رسوم و ...؛
۳. توانایی ارضای نیازهای زیستی و بدنی به شیوه قابل قبول جامعه؛
۴. متمرکز کردن ارزش‌های و اعتقادات اساسی جامعه در ذهن فرد؛

۶- رابطه جامعه‌پذیری و آزادی

اگر جامعه‌پذیری موفقیت آمیز باشد، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در افراد درونی شده و افراد بدون توجه طبق آن ارزش‌ها و هنجارها رفتار خواهند کرد و در چنین فضایی احساس آرامش و آزادی می‌کنند به عبارت دیگر انسان‌ها به اختیار خودشان رفتار طبق هنجارها و ارزش‌های موجود را انتخاب می‌کنند. بنابراین، ترویج آزادی در جامعه‌ای که جامعه‌پذیری در آن موفقیت آمیز بوده باشد مشکلی ایجاد نمی‌کند اما اگر جامعه‌ای چند فرهنگی باشد بطوری که هیچکدام از آن‌ها شکل غالب نداشته باشد ترویج آزادی موجب آشفتگی و بی‌نظمی در آن جامعه خواهد شد.

۷- انواع کنترل اجتماعی

دو نوع کنترل اجتماعی وجود دارد:

۱. کنترل اجتماعی بیرونی: که خود به دو نوع تقسیم می‌شود: رسمی همانند پلیس، دادگاه‌ها، و... .

و غیر رسمی همانند عکس العمل رفتار دیگران نسبت به عمل خاص که از طریق اطرافیان و سایر مردم اعمال می‌شود. اگر جامعه‌پذیری درست انجام شود، مردم طبق هنجارها و ارزش‌ها رفتار خواهند کرد و اگر احياناً فردی این هنجارها را نقض کند، مردم در مقابل نقض انتظارات و ارزش‌های جامعه عکس العمل از خود نشان می‌دهند؛ این نوع کنترل اجتماعی وقتی است که جامعه‌پذیری در مورد فرد خاطی خوب صورت نگرفته بلکه در مورد اکثر افراد جامعه درست انجام شده باشد

۲. کنترل اجتماعی درونی: که افراد طبق آموزه‌های اجتماع به صورت بازتابی عمل می‌کنند و اگر جامعه‌پذیری درست انجام گرفته باشد. دیگر حتی نیاز به کنترل افراد از طریق دیگران نیز نیست بلکه فرد خود به صورت بازتابی درست رفتار خواهد کرد

۸- جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی

◀ اگر جامعه‌پذیری در مورد همه افراد درست انجام گرفته باشد. در این صورت کنترل اجتماعی درونی انجام گرفته و معمولاً افراد طبق شخصیت و امیال درونی خود مطابق با قوانین جامعه رفتار خواهند کرد لذا در چنین جامعه‌ای کمترین نیاز به مجریان قانون وجود خواهد داشت.

◀ اما اگر اکثر افراد طبق هنجارها و ارزش‌ها و عقاید جامعه درست تربیت شده باشند. و اقلیتی جامعه‌پذیری درست در مورد آن‌ها صورت نگرفته باشد در این صورت با کنترل غیر رسمی این اقلیت توسط اکثریت جامعه مهار خواهند شد.

◀ اما اگر در جامعه‌ای وجود جریان‌های مخالف مانع جامعه‌پذیری یکسان و درست در همه جامعه شده باشد یا خرده فرهنگ‌ها خیلی از هم فاصله داشته باشند و یا فرهنگ‌های متفاوت و گاهی معارض در جامعه وجود داشته باشد در این صورت نیاز به کنترل اجتماعی رسمی به شدت افزایش یافته و دولت باید با استفاده از قوه قهریه و پلیس نظم جامعه را حفظ نماید.

۹- عوامل جامعه‌پذیری

۱. خانواده: مراد از خانواده، اعم از فامیل و دوستان می‌باشد.

۲. مدرسه: که از سن ۷ سالگی تا قبل از دانشگاه نقش اساسی در جامعه‌پذیری جوانان دارد، هر چقدر بین خانه و مدرسه از لحاظ آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و فاصله کمتری باشد جامعه‌پذیری موفقیت آمیزتر خواهد بود.

۳. گروه‌های هم‌سال: از سن ۱۲ سالگی تا ۲۰ سالگی، رفتار همسالان و هم‌شاگردی‌ها تأثیر مستقیم روی نوجوان دارد؛ زیرا در این سن قضاوت‌های همسالان برای نوجوان بسیار مهم می‌باشد، بطوری که حتی نظرات آن‌ها را بر سفارشات والدین خود ترجیح می‌دهد.

۴. رسانه‌های جمعی: همانند تلویزیون، روزنامه، ماهواره، مطبوعات و ...

۱۰- **مراحل جامعه‌پذیری:** در مراحل از زندگی انسان سیر سابق زندگی تغییر می‌کند یا فرد در ادامه آن‌ها مصمم تر می‌گردد. که اصطلاحاً به این مراحل مراحل جامعه‌پذیری مجدد گفته می‌شود که عبارتند از:

۱. دوران کودکی: قبل از نوجوانی تا کلاس اول دبیرستان بیشتر از خانه و معلم جامعه‌پذیری دارد.
 ۲. بلوغ تاجوانی: از ۱۵ سالگی تا ۲۵ سالگی در پسران و ۱۳ سالگی تا ۱۶ سالگی در دختران، در اینجا مراد بلوغ جنسی است نه شرعی.

۳. دانشگاه (تحصیلات تکمیلی)

۴. ازدواج: خصوصاً اگر زوجین از دو فرهنگ متفاوت باشند.

۵. پدری و مادری: زیرا تولد فرزند موجب اقتضائات جدیدی می‌شود که رفتارهای جدید را می‌طلبد.

۶. طلاق: بعضی از زوج‌ها بعد از طلاق دچار افسردگی و ناراحتی روحی می‌شوند و بعضی زندگی جدیدی را شروع می‌کنند.

۷. تغییرات شغلی: تعویض شغل رفتارهای جدید را اقتضا دارد مثل این که فرد کارمند فروشنده شود.

۸. جدایی از خانواده: امروزه در اکثر کشورهای غربی، فرزندان به محض بلوغ یا کمی بعد از بلوغ از خانواده جدا شده و زندگی انفرادی را از سر می‌گیرند که این امر موجب جامعه‌پذیری جدید می‌شود.

۹. مرگ یکی از اعضای خانواده: خصوصاً مرگ افرادی که انسان به آن‌ها وابستگی دارد. هرچقدر وابستگی بیشتر باشد تأثیر مرگ او بر فرد بیشتر است.

۱۰. بازنشستگی: زیرا با بازنشستگی مقدار درآمد فرد پایین می‌آید و مشکلات و معضلات دیگری ایجاد می‌شود که موجب جامعه‌پذیری مجدد فرد می‌گردد.

۱۱. مرگ یکی از زوجین: زیرا مرگ همسر یا آور مرگ فرد می‌باشد و چه بسا موجب افسردگی شدید برای زوج بازمانده گردد. و گاهی موجب آن می‌شود که فرد مسیر زندگی خود را اساساً تغییر دهد.

۱۲. زندگی در کشور دیگر: وقتی فرد وارد جامعه‌ای شود که هیچ وجه مشترکی با آن‌ها ندارد مجبور است که برای زندگی با آن‌ها ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را فراگرفته و رعایت نماید.

۱۱- رابطه جامعه‌پذیری و نقش‌های جنسیتی

- فیمینیست‌ها معتقد که نقش‌های جنسیتی ناشی از طبیعت نیست بلکه ناشی از تربیت و جامعه‌پذیری است. بر همین اساس قوانین جدیدی در سازمان‌های بین‌المللی بر کشورهای دنیا تحمیل می‌شود که در آن‌ها زنان هم‌چون مردان فعالیت کنند
- جواب: شکی نیست که فیزیک زن و مرد متفاوت است اما از آنجایی که انسان موجودی فرهنگی است و دارای اراده و اختیار است، بسیار منعطف بوده. می‌تواند برخلاف وضع طبیعی و حتی میل طبیعی خود نیز تربیت شود و حتی رفتار داشته باشد. اما باید دید که آیا این وضع مطابق با استعدادهای طبیعی آن‌هاست یا بر خلاف استعداد طبیعی آن‌ها.

- علم و طبیعت به ما می‌گوید که توانایی جسمی مردان بیشتر از زنان است و توانایی عاطفی زنان بیشتر از مردان. اگر قرار باشد کارهای سنگین فیزیکی را به زنان بسپاریم و کارهای بچه‌داری و خانه‌داری را به مردان. شاید بتوان مدتی هم به این وضع ادامه داد اما یقیناً نتایج چندان موفقی نخواهد داشت زیرا کارهای بدنی طاقت فرسا برای زنان بسیار مشقت‌آور خواهد بود و کارهای خانه‌داری نیز برای مردان چندانس‌آور.

سوالات این درس

- (۱) جامعه‌پذیری را تعریف کنید
- (۲) جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه کدامند؟
- (۳) ارتباط جامعه‌پذیری با هر کدام از واژه‌های زیر بیان کنید
 - a. نیازهای مادی و معنوی
 - b. هنجارهای اجتماعی
 - c. ارزش‌های اجتماعی
- (۴) هدف‌های جامعه‌پذیری را برشمرده شرح دهید:
- (۵) رابطه جامعه‌پذیری و آزادی را بیان کنید:
- (۶) جامعه‌پذیری چه نقشی در کنترل اجتماعی دارد؟
- (۷) عوامل جامعه‌شناسی را برشمرده توضیح دهید
- (۸) مراحل جامعه‌پذیری را برشمرده شرح دهید:
- (۹) آیا جامعه‌پذیری زنانه و مردانه فرق دارد؟ چگونه؟

درس پنجم:

جرم و انحراف اجتماعی

۱- تعریف مفاهیم

۱- رفتار انحرافی: هرگونه رفتاری که با انتظارات جامعه منطبق و سازگار نباشد رفتار انحرافی گفته می‌شود. و هنگامی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی معیارهای جامعه را رعایت نکنند؛ حال چه بر خلاف قانون باشد یعنی در آن مورد قانونی داشته باشیم مثل سرقت که برای مجازات آن قانون داریم و یا خلاف قانون نباشد یعنی برای مجازات این مورد قانون نداریم مثل بی ادبی به دیگران.

۲- تعریف جرم: تعریف جامعه‌شناسان: هر عملی که طبق قانون آن کشور مجرمانه تلقی شود
تعریف مختار برای جرم:

- هر عملی که مستلزم ظلم و آسیب به خود، دیگران و جامعه باشد
- جرم عبارت است از آن که در فقه خداوند از آن نهی کرده باشد. و در مقابل آن مجازات دنیوی تعیین شده باشد

۲- رفتار انحرافی نخستین و ثانویه

۱. رفتار انحرافی نخستین؛ رفتار انحرافی است که اتفاقی، موردی و تصادفی باشد و جزو شخصیت فرد نشده باشد. به عبارت دیگر فرد راست‌رو بطور اتفاقی رفتار مجرمانه از او سرزند.
۲. رفتار انحرافی ثانویه؛ رفتار انحرافی است که مستمر بوده و جزو شخصیت و عادت فرد شده باشد. (شخصیت به الگوی رفتاری ثابت اشخاص گفته می‌شود، مثل آدم تند خو)

۳- انحراف فردی و گروهی

انحراف فردی: فرد مجرم عمل مجرمانه را به تنهایی و در خفا انجام می‌دهد. در چنین شرایطی فرد راست‌رو تلقی می‌شود و زندگی عادی دارد این فرد خود را منحرف می‌داند و ترس از آبروریزی همواره برای او یک کابوس است.

انحراف گروهی: مجرمین عمل مجرمانه را به صورت گروهی انجام می‌دهند که خرده فرهنگ منحرفانه را تشکیل داده و فرد در چنین وضعیتی جامعه را مقصر می‌داند و عمل خود و دوستان خود را توجیه می‌کند او ترس از آبروریزی ندارد زیرا آبروی خود را در میان جمع منحرف خود جستجو می‌کند. او به عمل منحرفانه خود افتخار خواهد نمود. (رفتارهای منحرفانه در درون حزب سیاسی از این قبیل است)

۴- رفتار انحرافی پنهان و آشکار

- رفتار انحرافی پنهان آن است که فرد دارای احترام و شخصیت مثبت بوده و ظاهراً به عنوان فرد راست‌رو شناخته می‌شود. اما به دلایلی در اماکن خلوت و در جاهایی که فکر کند کسی متوجه او نمی‌شود دست به اعمال مجرمانه می‌زند. مثل کارمند متقلب که در فاکتورهای فروش دستکاری می‌کند. (جرم سیاسی احزاب معمولاً از نوع رفتار انحرافی پنهان است)

- رفتار انحرافی آشکار آن است که فرد در جامعه به عنوان منحرف شناخته شده است و اگر بتواند از دست قانون فرار کند. جلوی سایرین دست به اعمال مجرمانه می‌زند. و از این که دیگران او را به عنوان فرد منحرف بشناسند باکی ندارد. مثل زنان روسپی که شناخته شده‌اند.

۵- ویژگی‌های رفتار انحرافی فردی و پنهان

۱. فرد خودش را مقصر میدانند؛
 ۲. ارزش‌های اصلی جامعه را پذیرفته است؛
 ۳. نزد عامه مردم آبرومند و محترم است؛
 ۴. امکان توبه و بازگشت بالا و احتمال استمرار عمل پائین است.
- نتیجه این ویژگی‌ها: اعمال انحرافی در اثر رفتار انحرافی شیوع پیدا نمی‌کند؛ یعنی رفتار انحرافی در شیوع اعمال انحرافی نقشی ندارد.

۶- ویژگی‌های رفتار انحرافی آشکار و گروهی

۱. حمایت متقابل اعضا
۲. تشکیل خرده فرهنگ منحرف؛ در نزد سایرین و عموم، فرد منحرف قلمداد می‌شود. و نزد امثال خود فردی موفق یا حداقل به هنجار شمرده می‌شود.
۳. عمل انحرافی جزو شخصیت منحرف شده است؛
۴. از عمل انحرافی خود دفاع می‌کنند؛ (خود را موجه می‌دانند)
۵. ارزش‌های اصلی جامعه را قبول ندارد (ارزشهایی که مربوط به عمل انحرافی می‌شود را قبول دارد)؛
۶. دیگران را به عمل انحرافی تشویق می‌کنند؛ تلاش می‌کند که فرهنگ عمومی جامعه را تغییر دهد تا نزد عموم، فردی موجه جلوه کند (مثل تبلیغ همجنس‌گرایی و بی‌حجابی)
۷. احتمال استمرار عمل انحرافی بالاست و احتمال توبه و بازگشت به جامعه خیلی پایین است؛ بلکه نزدیک به محال وقوعی است.

- ۷- نتیجه عدم برخورد با رفتار انحرافی آشکار و جمعی: رفته رفته رفتار منحرفانه به سایرین سرایت کرده و به مرور قبح رفتار انحرافی از بین رفته و حتی تبدیل به رفتار معمولی و به هنجار گشته و حتی ممکن است به مرور تبدیل به رفتار خوب و ارزشمند گردد

شیوع هرچه بیشتر رفتار انحرافی ← کم شدن یا از بین رفتن قبح عمل مجرمانه ← تبدیل منکر به معروف
مثل هم جنس‌گرایی که در ابتدا در غرب عمل مجرمانه بود اما با رشد این عمل مجرمانه - که هم‌جنس‌گرایان آمار خود را بالا نشان دادند و گفتند ما وجود داریم و عدد ما نیز بالا است یعنی ده در صد جامعه را تشکیل می‌دهیم - ؛ لذا این عمل مجرمانه به عمل خوب تبدیل و مجلس‌های کشورهای غربی آن را به عنوان قانون رسمی تصویب کردند.

۸- زندان و کنترل جرم:

زندان ← طرد شدن از جامعه رسمی ← یافتن جمعی که در آن جایگاه و منزلت، رفاه و پذیرش مطلوب وجود دارد ← طی کردن جامعه‌پذیری مجدد نامناسب.

لذا در اسلام کیفر زندان وجود ندارد و آن چه بوده بازداشتگاه موقت بوده تا تکلیف آن فرد روشن شود، و زندان از غرب وارد جوامع اسلامی شده است.

۹- چگونگی تبدیل زندان به مرکز کنترل جرم

باید یک برنامه‌ریزی منظم و قوی جهت جامعه‌پذیری مجدد زندانیان در جهت صحیح اقدام شود بطوری که زندان مرکزی برای بازپروری افراد گردد و از شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های منحرف جلوگیری شود. که نمونه اش را در هدایت عقیدتی زندانیان سیاسی سال‌های اوائل انقلاب شاهد بودیم.

۱۰- عوامل اجتماعی وقوع جرم (چه عوامل اجتماعی مجرم را تشویق به ارتکاب جرم می‌کند؟)

در این قسمت شش دیدگاه وجود دارد:

۱. رویکرد جامعه‌شناختی مرتن: او می‌گوید: ناهماهنگی بین فرهنگ (باورهای ذهنی القاء شده به انسان‌های جامعه) و ساخت اجتماعی (واقعیت‌های جامعه) موجب جرم می‌شود (یعنی عدم هماهنگی بین اهداف عالی جامعه و وسائل و راه‌های مقبول رسیدن به آن اهداف عالی جامعه)؛ یعنی جامعه اهدافی معرفی می‌کند و وسائلی که برای رسیدن به آن اهداف معرفی می‌کند، نارسا و ناکافی است

۲. دیدگاه رفتار بوم‌شناسی شیکاگو: که در دهه ۱۹۲۰ مطرح شد این نظریه معتقد است که قرار گرفتن در مجاورت مجرم موجب ارتکاب جرم است. پس طبق این نظریه زندگی در محلات جرم‌خیز ممکن است روی کودکان تأثیر گذاشته و آنها را منحرف کند یا فردی که دوستان مجرم دارد همین‌طور.

۳. دیدگاه جامعه‌پذیری ضعیف: که منظورش سهل‌انگاری خانواده‌ها در تربیت فرزندان و عدم توجه رسانه‌های گروهی و مدارس به ارزش‌های ملی و دینی یا وجود تضاد بین ارزش‌های خانواده و ارزشهایی که در رسانه‌ها و مدارس تبلیغ می‌شود. (ساخت جامعه به گونه‌ای است که مثلاً بین مدرسه و خانه اختلاف دیدگاه وجود دارد)

۴. ناکامی منزلتی: مثل شکست در تحصیل، یا عدم رسیدن به چیزهای که در جامعه و رسانه‌های گروهی ترویج می‌شوند.

۵. نظریه برجسب زنی: این نظریه معتقد است که با زدن برجسب انحراف بر روی افراد آنها منحرف بار می‌آیند. اینان به دو فرد دانش آموز مثال می‌زنند که هر دو در دوره نوجوانی دست به سرقت می‌زنند. اولی دستگیر شده و روانه زندان می‌گردد؛ از تحصیل و می‌ماند و بعد از آزادی به خاطر سوء سابقه کسی به او کار نمی‌دهد و مجبور است به سرقت روی آورد اما دومی گرفتار پلیس نمی‌شود و پس از مدتی به دانشگاه می‌رود و شغل خوب و آبرومندی در جامعه بدست می‌آورد. و به عنوان فرد راست روی شناخته می‌شود.

۶. سن: بعضی‌ها معتقدند که سن جوانی اقتضای طغیان شورش و جرم را دارد. (استاد این نظریه را قبول نکردند زیرا انحراف جوانان به عواملی مثل شرائط جامعه بستگی دارد و نه اینکه جرم اقتضای جوانی باشد.)

استاد: به غیر از نظریه ۶ بقیه نظریه‌ها مورد قبول است ولی بعضی از این نظریه‌ها، بقیه نظریه‌ها را پوشش می‌دهد، مثل نظریه ۱

۱۱- نقش جنسیت در وقوع جرم

معمولاً رابطه مستقیمی بین جنسیت و جرم وجود دارد. آمارهای جرم نشان می‌دهد که احتمالاً زنان نسبت به مردان کم‌تر مرتکب جرم می‌شوند. برای مثال، زنان فقط ۱۲٪ از کل متخلفان را تشکیل می‌دهند و در جرایم جدی تری نظیر جیب‌بری، زخمی کردن و آدم‌کشی، آن‌ها فقط ۵٪ از کل متخلفان را در برمی‌گیرند. یعنی طبق آمارهای موجود جنس مونث کمتر مرتکب جرم شده است. چرا؟ آیا واقعاً چنین است؟

۱۲- دلایل کم بودن آمار جرم زنان:

۱. تفاوت انتظارات جامعه از دو جنس: انتظارات متفاوتی که ما درباره پسران و دختران داریم، هنگامی که بزرگ می‌شویم اثر خود را بر ما باقی می‌گذارند. برای مثال، ارزش‌های نوعی مردانه می‌توانند به طور مستقیم، به ستیزه‌گری منجر شوند. از سوی دیگر، ارزش‌های زنانه بر سازگاری، خانه‌داری و فرزندآوری تأکید دارند؛ ارزش‌هایی که فرصت‌های بزه‌کاری را به شدت کاهش می‌دهند. بر همین اساس رفتار مناسب برای زنان در ملاء عام، از رفتار مناسب مردان در آن‌جا متفاوت است.
۲. سهل‌گیری پلیس نسبت به زنان: مدارکی وجود دارد دالّ بر این که پلیس با جرم‌های اناث متفاوت از جرم‌های ذکور برخورد می‌کند؛ آن‌ها تصور می‌کنند که اناث نسبت به قانون وفادارتر از ذکورند. دخترانی که به واسطه اعمال بزه کارانه دستگیر می‌شوند، احتمالاً بیش‌تر تحت مراقبت و حفاظت قرار می‌گیرند تا مردان بزه‌کار.
۳. تفاوت‌های نقش: بسیاری از تبیین‌ها درباره سازگاری زنان بیان می‌دارند که آن‌ها، به خصوص به واسطه نقش‌هایی که از آن‌ها انتظار می‌رود که در جامعه ایفا کنند، از محدودیت‌های بیش‌تری برخوردارند.
۴. تفاوت‌های فیزیکی: بطور طبیعی هم به لحاظ جسمی و هم روانی بین زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد لذا زنان ترجیح می‌دهند در جرایم خشن وارد نشوند و حتی زمانی که زنی بخواهد کسی را به قتل برساند مردی را اجیر می‌کند یا از مردی کمک می‌خواهد در حالی که عکس این مطلب دیده نشده است. یا در درگیری فیزیکی دو زن کمتر جرح اتفاق می‌افتد در حالی که اکثر درگیری‌های مردانه به جرح و حتی گاهی قتل یکی از طرفین ختم می‌شود و طبیعی است جرائم مردانه بیشتر از زنانه باشد.

۱۳- نقش اماکن در وقوع جرم

برخی معتقدند که جرم در نواحی مرکزی شهر و برخی از مناطق مسکونی مسأله‌دار از میزان بالایی برخوردار است، زیرا مردمی که در این نواحی متراکم شده‌اند، غالباً فقیرتر بوده و نسبت به قسمت عمده جمعیت، دارای مشکلات اجتماعی بیش‌تری هستند. مناطق فقیر جرم خیزترند ← چون دارای مشکلات اجتماعی بیش‌تری دارند

اما در مقابل برخی دیگر معتقد که علت بالا بودن آمار جرم در مناطق فقیر نشین این است که مراقبت‌های پلیس، در نواحی مرکزی شهر، به خصوص نواحی ای که فقیر نشین بوده یا ساکنین از اقلیت‌های نژادی باشند، سخت و خشن است.

مناطق ثروتمند ← از سهل‌گیری پلیس برخوردارند ولی مناطق فقیرنشین با سخت‌گیری پلیس مواجه هستند

در واقع، این‌گونه اظهار شده است که فقرا و اقلیت‌های نژادی بیشتر مورد آزار و اذیت پلیس قرار می‌گیرند. در نتیجه، میزان بازداشت‌ها و تنش‌های اجتماعی، که ممکن است در شرایط ویژه‌ای منجر به آشوب شود، بالا خواهد بود.

۱۴- چرا گاهی اوقات جرم یقه‌سفیدان نادیده گرفته می‌شود؟

- معمولاً در اکثر کشورهای دنیا به دلایل زیر جرم کارمندان دولت یا مقامات بالای اداری نادیده گرفته شود
۱. ترس از مجازات: گاهی اوقات افراد دون پایه از ترس مجازات، جرائم روسای خود را فاش نمی‌سازند.
 ۲. زد و بندهای اداری: گاهی اوقات کارمندان فکر می‌کنند که شاید چنین اتفاقی برای خودشان حادث شود و در آن صورت کارمندی که امروز رازش افشا نشده راز آن‌ها را نگه خواهد داشت
 ۳. ترس از زیر سؤال رفتن سیستم اداری: همواره چنین تبلیغ می‌شود که سیستم‌های موجود بروکراسی بهترین سیستم جهت جلوگیری از سوء استفاده‌های گوناگون می‌باشند و اگر قرار باشد مواردی از سوء استفاده افشا شود کل سیستم زیر سؤال می‌رود، بنابراین، گاهی اوقات روسای فاسد اداری ارتقاء مقام نیز دریافت می‌کنند تا دیگران مطمئن شوند که اتهام اختلاس نسبت به ایشان تهمتی بیش نبوده است.
 ۴. عدم اهتمام به حفظ اموال دولتی و بیت المال: معمولاً افراد نسبت به اموال خصوصی خود بسیار حساس هستند اما در عین حال بسیار اتفاق می‌افتد که در مورد اموال عمومی بسیار سهل‌گیر و با گذشت می‌باشند.

سوالات این درس

- ۱) رفتار انحرافی و بزهکارانه را تعریف کرده و تفاوت جرم و انحراف را روشن کنید:
- ۲) رفتار انحرافی نخستین چه تفاوتی با رفتار انحرافی ثانویه دارد؟
- ۳) درباره انحراف فردی و گروهی و رفتار انحرافی پنهان و آشکار چه می‌دانید؟
- ۴) ویژگی‌های رفتار انحرافی فردی و پنهان را برشمارید:
- ۵) ویژگی‌های رفتار انحرافی آشکار و گروهی را برشمارید:
- ۶) عوامل اجتماعی وقوع جرم را برشمرده هر کدام را به اختصار شرح دهید:
- ۷) هر کدام از رویکرد جرم‌شناسی زیر را به اختصار شرح دهید
 - a. جامعه‌شناختی مرتن
 - b. دیدگاه رفتار بوم‌شناسی شیکاگو
 - c. دیدگاه جامعه‌پذیری ضعیف
 - d. ناکامی منزلتی:
 - e. نظریه برجسب زنی
 - f. نظریه نقش سن در وقوع جرم
- ۸) درباره نقش جنسیت در وقوع جرم چه می‌دانید:
- ۹) دلایل کم بودن آمار جرم زنان را برشمرده توضیح دهید
- ۱۰) درباره جرم یقه سفیدان (کارمندان دولت) چه می‌دانید و چرا معمولاً این نوع جرائم مخفی می‌ماند؟

درس ششم :

نظارت اجتماعی

۱- **تعریف نظارت اجتماعی:** سازکارهایی که جامعه آن را برای وادار کردن اعضایش به سازگاری با جامعه یا دلسرد کردن آن‌ها از ناسازگاری به کار می‌گیرد. به عبارت دیگر نظارت اجتماعی برای حفظ نظم موجود است.

۲- نظارت اجتماعی به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

۱. تأمین نظم و امنیت اجتماعی
۲. کمک به انتقال فرهنگ به نسل‌های بعدی و جامعه‌پذیری صحیح و حفظ هویت ملی
۳. جلوگیری از ورود فرهنگ‌های بیگانه

۳- انواع نظارت اجتماعی

- نظارت اجتماعی درونی
 - نظارت اجتماعی بیرونی [الف: رسمی ب: غیررسمی]
- نظارت درونی:** این نظارت اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و درونی کردن هنجارها و ارزش‌ها شکل می‌گیرد؛ یعنی این که اگر جامعه‌پذیری موفقیت‌آمیز باشد، فرد با درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها، به صورت بازتابی از هنجارهای جامعه پیروی می‌کند.
- نظارت اجتماعی بیرونی:** که به دو صورت رسمی و غیررسمی انجام می‌شود که هر کدام مفصلاً توضیح داده خواهد شد.
- در نظارت اجتماعی ارزش‌ها، آداب و رسوم، عرف و قوانین نقش مهمی به عهده دارند

۴- علل تضعیف نظارت اجتماعی درونی

عواملی که جامعه‌پذیری فرد را دچار مشکل می‌کنند به قرار زیر می‌باشند:

- تضعیف عقاید و باورهای گذشته: از آنجایی که عقاید از عناصر اصلی و محوری فرهنگ در جامعه می‌باشد با ضعف عقاید و باورهای سابق، فرد در جامعه‌پذیری دچار مشکل می‌شود (زیرا گفته شد که جامعه‌پذیری از طریق فرهنگ جامعه صورت می‌گیرد) در نتیجه نسبت به رفتارهای سابق خود تجدید نظر می‌کند. حال اگر عقاید مثبتی جای عقاید سابق را پر نکند یا عقاید منفی نسبت به اجتماع و جهان، ذهن افراد را اشغال کند کنترل درونی فرو می‌ریزد.
- تعارض هنجارها؛ تعارض در دو جا به وجود می‌آید:
 - الف. عضویت در گروه‌های متعارض (مثل عضویت در بسیج و انجمن اسلامی دانشگاه البته در صورتی که بسیج و انجمن اسلامی با هم مخالف باشند)
 - ب. وجود هنجارهای متناقض در جامعه. مثل کاسب متدینی که اگر بخواهد به تدین خود عمل کند نباید سود بیش از اندازه بگیرد، نباید قسم دروغ بخورد و غیره اما اگر بخواهد به هنجارهای محل کسب خود عمل کند باید قسم دروغ بخورد باید گرانفروشی کند و ...

- گوناگونی پایگاه و نقش اجتماعی فرد واحد: تضاد نقش‌ها و پایگاهها در موقعیتهای مختلف ممکن است موجب تضعیف برخی نظارتهای درونی گردد. همانند: شخصی هم پلیس است و هم پدر خانواده. او طبق اقتضای شغلش، باید خشن باشد اما در عین حال باید پدری مهربان باشد.

۵- انواع نظارت غیر رسمی

۱. خانواده: پدر گرچه ضمانت تنبیهی نسبت به رفتار پسر دارد ولی غیر رسمی است چون در مورد آن قانون وجود ندارد.
۲. مدرسه: بچه موفق با هنجارهای مدرسه خود را زود وفق می‌دهد.
۳. گروه همسالان(همالان): گروههای خودی و غیر خودی در بین همسالان تعریف می‌شود؛ به این معنا که هرکس اگر مطابق میل گروه نباشد غیر خودی معرفی شده و از گروه طرد خواهد شد.[همالان: یعنی گروهی که فرد به آن تعلق دارد و لزوماً همسال هم نیستند]
۴. رسانه‌های گروهی: از طریق ارائه الگوی رفتاری و تقلید مردم از آنها کنترل اجتماعی اعمال می‌کند به این معنا که الگویی که رسانه‌ها ترویج کنند از طرف عامه مردم هم تأیید می‌شود و الگویی که آنها تقبیح کنند نیز از طرف عامه مردم تقبیح می‌شود.
۵. همکاران(محل کار): از طریق تمسخر همکاران و دست انداختن آنها یا تشویق و تحسین آنها
۶. دین و علمای دینی: وقتی که آموزه‌های دینی از طریق رسانه‌ها تبلیغ شود، یا ضمن کتب درسی در مدارس تدریس گردد، یا این که مبلغین در مراکز دینی هم‌چون مساجد و مدارس یا سایر مکان‌ها مردم را تشویق به کارهای خوب و از کارهای بد نهی می‌کنند. یا زمانی که مومنی بر خود واجب می‌داند که دیگران را به عمل نیک سفارش یا از عمل بد باز دارد. در تمام این موارد منبع کنترل غیر رسمی دین محسوب می‌گردد. جامعه (عموم مردم): از طریق عکس العمل نشان دادن (در بین مردم نظارت غیر رسمی همان امر به معروف و نهی از منکر است).

۶- نظارت اجتماعی رسمی

نظارتی است که ضمانت اجرایی قانونی یعنی پلیس و دادگاه دارد.

منابع نظارت اجتماعی رسمی

۱. قانون: قواعد و مقررات مکتوب مثل آیین نامه‌ها و مجموعه قوانین.
۲. پلیس.
۳. زندان.
۴. دادگاه.
۵. دادسرا.
۶. مراکز نگهداری جوانان بزهکار.
۷. موسسات رفاهی و مددکاری اجتماعی.

۷- **ضمانت اجرایی:** مجموعه از پاداش‌ها و مجازات‌هایی است که نسبت به افراد که خود را با هنجارها تطبیق می‌دهند یا از آن سرباز می‌زنند اعمال می‌شود.

انواع ضمانت اجرا:

- رسمی
- غیررسمی: طیفی از انواع رفتار بازدارنده که معمولاً توسط اطرافیان اعمال می‌شود.

۸- **رابطه جرم و پلیس:**

- نسبت به دغدغه‌های شخصی یا نوعی بیشتر عکس‌العمل نشان می‌دهند
- نسبت به نوع فرهنگی که در آن رشد یافته‌اند به جرائم خاصی حساسترند. (بنابراین، کشفیات پلیس بیانگر میزان واقعی جرم در جامعه نیست. بلکه طبق تحقیقات انجام شده پلیسها به مناطق خاصی یا به گروه‌های خاصی یا در خصوص جرائم خاصی حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و در این صورت سایر مناطق یا گروه‌ها یا جرم‌ها از دید آن‌ها پنهان می‌ماند) معمولاً در جرائمی رشوه می‌گیرند که برای شخص آن‌ها اهمیت حیاتی ندارد

سوالات این درس

- ۱) چرا نظارت اجتماعی مهم است؟
- ۲) انواع نظارت اجتماعی را برشمرده و هرکدام را شرح دهید
- ۳) نقش هنجارها در نظارت درونی را شرح دهید:
- ۴) باورها و سفارش‌های دینی چگونه بر نظارت درونی تأثیر دارند
- ۵) علل تضعیف نظارت اجتماعی درونی را برشمرده شرح دهید:
- ۶) انواع نظارت غیر رسمی را نام برده شرح دهید:
- ۷) کدام دستور اسلام ناظر بر نظارت اجتماعی غیر رسمی است؟
- ۸) نظارت اجتماعی رسمی چقدر در جلوگیری از جرائم مؤثر است؟
- ۹) به نظر شما کدام یکی از روش‌های نظارت اجتماعی بهترین تأثیر را دارد دلایل خود را شرح دهید:
- ۱۰) مکانیسم‌های نظارت رسمی کدامند؟ نام برده شرح دهید:
- ۱۱) نگرش‌ها و عقاید نیروهای پلیس چه نقشی در آمار جرائم جامعه دارد؟

درس هفتم :

طبقه و قشر بندی اجتماعی (پایگاه و نقش اجتماعی)**۱- تعریف مفاهیم اصلی**

- طبقه اجتماعی: به جایگاه فرد در هرم اجتماع طبقه اجتماعی گفته می‌شود و معمولاً به سه یا پنج گروه تقسیم می‌شود
- تحرک اجتماعی: به امکان جابجایی در طبقه اجتماعی تحرک اجتماعی گفته می‌شود
- تعریف پایگاه: به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند.
- تعریف نقش: به رفتاری که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده، انتظار دارند به آن نقش گفته می‌شود و ثروت، نژاد و جنسیت از عوامل تعیین کننده نقش می‌باشند.

۲- اهمیت طبقه اجتماعی (تأثیر طبقه اجتماعی در چه مواردی ظاهر می‌شود؟)

۱. تولد (مرگ و میر هنگام تولد): احتمال مرگ و میر کودکان والدین غیر ماهر طبقه کارگر نسبت به کودکان متخصصین در سال تولد سه برابر است.
۲. بهداشت (افراد طبقه بالا معمولاً دارای پزشک مخصوص می‌باشند).
۳. مسکن: هشتاد و پنج درصد از طبقه متوسط بالا مالک مسکن می‌باشند در حالی که بیست و پنج درصد از طبقه غیر ماهر مالک مساکن خودشان می‌باشند.
۴. درآمد: هر چه به طبقات اجتماعی بالاتر صعود کنی درآمدت بیشتر می‌شود.
۵. تحصیلات (امکان تحصیلات عالیه بیشتری دارند): طبقات متوسط در نظام تحصیلی موفق تر می‌باشند و ۶۰٪ از افراد طبقه متوسط بالا وارد دانشگاه‌ها و یا مدارس عالی شده‌اند.
۶. سیاست (هم در نوع رأی دهی و هم در رسیدن به قدرت تأثیر گذارند): هر چه طبقه اجتماعی شخصی بالاتر باشد، احتمال این که به حزب محافظه کار رأی دهد بیشتر است.
۷. مرگ و میر: به طور متوسط یک فرد با شغل تخصصی نسبت به یک فرد با شغل کارگری می‌تواند هفت سال بیشتر امید به زندگی داشته باشد

۳- ملاک‌های طبقه اجتماعی چه می‌باشد؟

۱. ملاک‌های طبقه اجتماعی از دیدگاه مارکسیست‌ها: ابزار تولید. گروهی که کنترل اقتصاد را در دست دارند طبقه بالا (بورژوا) و بقیه جامعه طبقه پائین (پرولتاریا) می‌باشند.
۲. ملاک‌های طبقه اجتماعی از دیدگاه وبر (ثروت، منزلت، قدرت): دیدگاه وبر در ارتباط با قشر بندی از این نقد اخیر ناشی می‌شود. در نظر او تقسیم‌بندی جامعه به دو گروه بر اساس مالکیت اقتصادی یا غیره بسیار ابتدائی بود. در عوض او پیشنهاد کرد که طبقه اجتماعی بر مبنای سه عنصر:

○ ثروت (عوامل اقتصادی به عنوان مثال: شخص چه قدر پول به دست آورده یا از والدین به ارث برده است)،

- منزلت (به عنوان مثال اعتباری که ما به یک شخص بر اساس چیزهایی مثل طرز حرف زدن، سبک لباس پوشیدن و سطح تحصیلات می‌دهیم).
- قدرت

ترکیبی از این سه امر، مشخص می‌کند که جایگاه فرد در کجای هرم جامعه قرار دارد.

۳. ملاک‌های طبقه اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسان (شغل): جامعه‌شناسان در تحقیق واقعی، به سنجش طبقه اجتماعی نیاز دارند. و ملاک‌های وبر هرچند از طرف بسیاری از جامعه‌شناسان پذیرفته شده اما در عمل، اندازه‌گیری آن بسیار مشکل بلکه غیر ممکن است لذا جامعه‌شناسان به دنبال راه سهل تری بودند و آسانترین راهی که برای انجام این کار یافتند، عبارت است از طبقه بندی کردن مردم براساس شغل.. دلایلی زیاد برای اینکه آنها چرا چنین می‌کنند وجود دارد. اولین دلیل اینکه، اطلاعات درباره مشاغل مردم سریع و آسان به دست می‌آید، بلکه همچنین به خاطر اینکه شغل به تفاوت‌های اجتماعی بسیار مهمی مربوط است. مثل: تفاوت‌هایی در درآمد. / تفاوت‌هایی در سطح تحصیلات. / تفاوت‌هایی در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری، که بار دیگر تحصیلات را منعکس می‌کند. / تفاوت‌هایی در اینکه چگونه مردم به وسیله دیگران درجه بندی شده و اعتبار داده می‌شوند، بنابراین دکترها اعتبار بیشتری نسبت به دلال معاملات ملکی دریافت می‌کنند. (تفاوت‌های دیگران) با توجه به اینکه شغل امر مهم و مفیدی است، ما برای تشکیل یک طبقه بندی نیاز داریم تا مشاغل مشابه را با هم دسته بندی کنیم. طبقه‌بندی مشاغل مثل (کار دستی و غیر دستی، کار دستی ماهر و کار دستی ساده، مشاغل دفتری و اداری و مشاغل مدیریتی)

۴- انواع تحرک اجتماعی

توانایی جابجایی به بالا یا به پایین در نردبان طبقه اجتماعی. این جابجایی، تحرک اجتماعی نامیده می‌شود. دومعیار برای تحرک اجتماعی وجود دارد: تحرک بین نسلی و تحرک درون نسلی: تحرک بین نسلی عبارت است از جابجایی طبقه اجتماعی فرد در مقایسه با طبقه اجتماعی پدرش (مقایسه حرفه شخص با حرفه پدرش).

عوامل تحرک بین نسلی: ۱. مهاجرت ۲. تحصیلات ۳. ازدواج (بیشتر در زنان اتفاق می‌افتد).

تحرک درون نسلی عبارت است از مقایسه حرفه فعلی شخص با حرفه سابقش.

عوامل تحرک درون نسلی: ۱. تغییر شغل ۲. ازدواج ۳. تحصیلات

۵- انواع پایگاه اجتماعی

۱. پایگاه انتسابی: پایگاهی است که از آغاز تولد نوزاد به او محول شده و عمدتاً بر زمینه‌های خانوادگی کودک استوار است مثل شاهزاده و بچه سرمایه دارها یا بچه های فقیر پائین شهر.
۲. پایگاه اکتسابی: موقعیتی که بر اساس تلاش و لیاقت فرد که از خود بروز می‌دهد یا استعدادها و مهارت‌هایی که از خود نشان داده است استوار است.

۶- بی‌ثباتی و تضاد پایگاه اجتماعی

به دلیل این که در جوامع جدید پایگاه‌ها هم جنبه انتسابی و هم اکتسابی دارند، فرد می‌تواند تعداد بسیاری پایگاه را در یک زمان دارا باشد که گاهی بعضی پایگاه‌ها از بعضی دیگر بالاتر یا پائین‌تر است و فرد به انکار پایگاه پائین‌تر خود مبادرت می‌کند و یا در یک سرگردانی و حالت عذاب باقی می‌ماند. مثلاً دکتری که از خانواده فقیر برخوردار است ممکن است گذشته خود را انکار کند خصوصاً اگر با زنی از خانواده ثروتمند ازدواج کرده باشد.

۷- نقش‌ها

نقش‌های نمونه: در هر گروه معمولاً افرادی هستند که بهترین نقش‌ها را ایفا می‌کنند که دیگران آن‌ها را به عنوان افراد خاص ارج می‌نهند و رفتار آن‌ها را سرمشق خود قرار می‌دهند.

نقش محول: به شیوه ایفا نقش طبق انتظارات جامعه گفته می‌شود. به عبارت دیگر آن نقش‌هایی که دیگران از انسان انتظار دارند، گفته می‌شود.

نقش محقق: روشی که فرد در عمل در ایفای یک نقش معین به کار می‌گیرد. حالت آرمانی این است که هر دو نقش (محول و محقق) بر هم منطبق باشد؛ یعنی عملی فرد که انجام می‌دهد. همانی باشد که با دیگران از او انتظار دارند.

۸- علل مغایرت بین نقش‌های محول و محقق

گاهی اوقات عمل انسان آنی نیست که از او انتظار دارند. به عبارت دیگر در ایفای نقش خود ناموفق می‌باشد. این عدم موفقیت ممکن است به خاطر یکی از علل زیر باشد.

۱. عدم اطلاعات صحیح از اقتضات نقش: مثل کسی که تازه سر کار رفته و هنوز به بخشنامه‌ها آشنا نیست.
۲. تمایل به عدم انطباق نقش خود با انتظارات دیگران (مثلاً با ریاست سازمان سر ناسازگاری دارد یا به علت وابستگی خانوادگی به رئیس).
۳. ناتوانی فرد در ایفای صحیح یک نقش و نداشتن تخصص لازم.

۹- رابطه شخصیت و ایفای نقش: هر چقدر شخصیت فردی و اجتماعی فرد با نقش خاص مناسبت بیشتری داشته باشد، احتمالاً آن فرد موفق‌تر خواهد بود. انجام درست یک نقش، شخصیت متناسب با آن را می‌طلبد. گاهی انسان در یک نقش موفق است اما در نقش دیگر ناموفق.

۱۰- فشار نقش: گاهی اوقات فرد در ایفای نقشی که بر او محول شده به خاطر بالا بودن انتظارات یا به علل تعارض چندین نقشی که به عهده اوست، دچار مشکل می‌شود. که اصطلاحاً به آن فشار نقش می‌گویند. مثل یک پلیس که در خانه باید مهربان باشد و در بیرون خانه باید سنگین و با استوار باشد. مثل مربی فوتبال که هم باید بازیکنان دوست باشد و هم نظم برقرار کند یعنی این که گاهی آن‌ها را توبیخ و اخراج کند.

۱۱- پیامدهای احتمالی فشار نقش یا تعارض نقش‌ها:

۱. دلسردی از نقش: احساس فشار در انجام نقش یا انجام عمل خاصی بر خلاف میل و احساسات شخصی موجب دلسردی از نقش می‌شود. که معمولاً بازدهی کار را پایین خواهد آورد.
۲. شکست در ایفای نقش: گاهی اوقات فرد در انجام نقش خود ناموفق است و آن جایی است که نقشی که به عهده او گذاشته شده از توانایی او خارج است یا در معرض خواسته‌های متناقض قرار گرفته است که توانایی جمع بین آنها را ندارد. بنابراین، در ایفای آنها احساس ناتوانی می‌کند.
۳. بازی و نمایش نقش: فردی آگاهانه سعی می‌کند نقشی را به‌طور کامل انجام دهد تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. و این در جایی اتفاق می‌افتد که ببیند که شخص مهمی ناظر اعمال اوست.

سوالات این درس

- ۱) نقش طبقه اجتماعی در چه مواردی ظاهر می‌شود؟ نام برده هر کدام را شرح دهید:
- ۲) ملاک‌های طبقه اجتماعی از دیدگاه هر کدام از گروه‌های زیر را برشمارید؟
 - a. از دیدگاه مارکسیست‌ها
 - b. از دیدگاه وبر
 - c. از دیدگاه جامعه‌شناسان
- ۳) آیا ملاک‌های طبقه اجتماعی در جوامع مختلف فرق می‌کند؟
- ۴) تحرک اجتماعی را تعریف کنید:
- ۵) انواع تحرک اجتماعی را نام ببرید:
- ۶) تحرک بین نسلی تحرک درون نسلی را شرح دهید:
- ۷) پایگاه و نقش اجتماعی را تعریف کنید
- ۸) انواع پایگاه اجتماعی
- ۹) هر کدام از پایگاه انتسابی پایگاه اکتسابی را تعریف کرده شرح دهید
- ۱۰) بی‌ثباتی و تضاد پایگاه اجتماعی چگونه اتفاق می‌افتد؟
- ۱۱) نقش‌های نمونه نقش محقق را شرح دهید
- ۱۲) علل مغایرت بین نقش‌های محول و محقق را برشمارید :
- ۱۳) ایفای نقش چه تأثیری در شخصیت دارد؟
- ۱۴) پیامدهای احتمالی فشار نقش چه می‌تواند باشد؟
- ۱۵) تعارض نقش‌ها و دلسردی از نقش را شرح دهید:

درس هشتم:

گروه‌های اجتماعی

۱- **تعریف گروه:** گروه مرکب از تعدادی انسان‌ها است که با یکدیگر روابط متقابل داشته و از عضویت خود در یک جمع که اعضای آن از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترکی دارند، آگاهند.

۲- انواع گروه‌ها

☉ گروه اختیاری و غیر اختیاری

گروه اختیاری فرد آگانه برای عضویت ثبت‌نام می‌کند؛ یعنی فرد گروهی را به خاطر علاقه شخصی انتخاب می‌کند، مثل عضویت در احزاب

گروه غیر اختیاری؛ عضویت در آن ربطی به اختیار انسان نداشته باشد. مثل عضویت بر اساس شغل یا دین یا نژاد (عضو ارتش، جامعه مسلمانان معتقد، سیاهپوست)

☉ گروه خودی و غیر خودی

افرادی که فرد خود را متعلق بدانها دانسته و در حضور آنها احساس راحتی و خودمانی بودن می‌کند را «گروه خودی یا درون‌گروه» گویند و افرادی که شخص، بین خود و آنها منافع مشترکی نمی‌بیند گروه «غیر خودی یا برون‌گروه» گویند و معمولاً همه برون‌گروه‌ها به یک چشم دیده می‌شوند. مثلاً یک مسلمان همه کفار را مساوی فرض می‌کند درحالی که ممکن است آنها تفاوت‌های زیادی با هم داشته باشند.

۳- نقش مرزبندی گروه‌ها در هم‌بستگی درون گروهی

هر چقدر مرزبندی بین گروه‌ها روشن و خطوط قرمز مشخص‌تر باشد هم‌بستگی درون گروهی بیشتر و بیشتر خواهد شد و به هر میزان که این مرزبندی کم‌رنگ‌تر باشد، هم‌بستگی درون گروه نیز کاهش خواهد یافت

۴- حس تعلق به گروه خودی و شخصیت فردی

هرچه احساس وفاداری و همانندی افراد یک گروه نسبت به همدیگر بیشتر باشد، اقتدار و پیوستگی درونی آن نیز بیشتر خواهد بود و غالباً این پیوستگی با تشدید احساسات متفاوت بودن نسبت به گروه‌های دیگر یا گروه‌های خارجی که به عنوان افراد خارج از گروه و بیگانه ادراک می‌شوند، همراه است. این تفاوت اساسی مبتنی بر احساس خودی و احساس غیرخودی است. احساس خودی، بخش کاملی از خود آگاهی یک شخص را تشکیل می‌دهد. وابستگی فرد به کشور خاص، فرزند یک خانواده مشخص بودن، عضویت داشتن در یک حزب یا حرکت اجتماعی، شاغل بودن در یک شرکت خاص، همگی جنبه‌هایی از شخصیت او به حساب می‌آیند. حتی اگر شخص نسبت به یک یا چند جنبه از جنبه‌های بالا احساس بیگانگی کند اما همچنان با جنبه‌های دیگر دمساز و همراه است و در نتیجه برخی از وابستگی‌های گروهی مهم را حفظ می‌کند.

۵- تعصب قومی نتیجه افراط در تعلق به گروه خودی

تعصب قومی نشان دهنده‌ی این اعتقاد است که احساس درون گروهی یک شخص بالاتر از احساس برون گروهی مشابه است. قوم مداری در سطح ملی و کشوریش ممکن به مرحله‌ی میهن پرستی افراطی و دفاع میهن پرستانه از طریق سیاست جنگجویانه کشانده شود و در سطح قومی ممکن است به جنگ‌های داخلی کشیده شود و به بیان دقیق‌تر، تعصب‌های اشرافی و نژاد پرستانه، اشکال افراطی قوم مداری هستند.

جامعه‌شناسان معتقدند که درجه‌ی معتدلی از قوم مداری برای احترام به احساس خودی و پابندی درونی بخاطر ضرورت تأمین حداقل پیوستگی گروهی لازم و حتمی است. ولی اسلام با تمام اشکال قوم مداری مبارزه می‌کند.

۶- مرز گروه‌های اجتماعی

۱. گروه‌های رسمی همانند عضویت در احزاب که از مرزهای رسمی برخوردارند مثل کارت عضویت
۲. گروه‌های غیر رسمی (مثل حلقه معرفت مسجد محله) که از مرزهای غیر رسمی برخوردارند مثل رفاقت دوستانه

۷- گروه‌های نخستین و ثانویه

در گروه‌های نخستین تماس مستقیم و صمیمانه و چهره به چهره، پیوندهای عاطفی نیرومند و پایدار همراه با محبت میان اعضا برقرار است.

در گروه‌های ثانوی پیوندهای عاطفی ضعیف، برخوردارها برای اهداف خاص (عمدتاً مادی) می‌باشند. این گروه‌ها معمولاً از حجم بالایی نیز برخوردار می‌باشند. معمولاً در درون گروه‌های ثانوی می‌توان گروه‌های نخستین پیدا کرد.

۸- گروه‌های مرجع

به گروهی گفته می‌شود که انسان خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند. گروه‌های عضویت و گروه‌های مرجع ممکن است با هم و یا از هم جدا باشند.

گروه‌های مرجع مثبت و منفی

- گروه مرجع مثبت: به گروهی گفته می‌شود که فرد آرزوی به دست آوردن یا بقای عضویت در آن‌ها را دارد. مثل حزب الله لبنان و حماس برای مردم مصر
- گروه مرجع منفی: به گروهی گفته می‌شود که فرد آرزوی جدا شدن یا تنفر از عضویت در آن‌ها را دارد. مثل گروه‌های رپ برای انسان مذهبی

۹- رابطه گروه و کنترل اجتماعی:

افراد چون می‌خواهند گروه آن‌ها را بپذیرد و دوست ندارند مورد بی‌مهری یا شماتت سایر اعضای گروه واقع شوند، خود را با هنجارهای گروه منطبق می‌سازند. بنابراین، این‌که انسان عضو چه گروهی باشد یا خود را عضو چه گروهی بداند در رفتار او نقش اساسی دارد

۱۰- فاصله اجتماعی چیست؟

به میزان احساس نزدیکی یا پذیرشی که اعضای یک گروه در قبال اعضای گروه دیگر دارند فاصله اجتماعی گویند. مثلاً فاصله اجتماعی شیعیان نسبت به اهل سنت کمتر از فاصل اجتماعی آنها نسبت به مسیحی‌ها یا یهودی‌ها می‌باشد.

۱۱- ساخت رسمی و غیر رسمی

ساخت رسمی به آن دسته قواعد مدون و مقررات مکتوبی گفته می‌شود که به منظور تأمین کارکرد سالم گروه تصویب شده است. و نقش اعضا را مشخص می‌کند.

و به آن دسته از روابطی که بین اعضای گروه به صورت خود جوش توسعه می‌یابد (قواعد غیرمدون و بین‌الذهانی)، ساخت غیر رسمی اطلاق می‌شود. در ساخت غیر رسمی اعضا رهبر خاص خود را دارند و شبکه‌ای از مقررات تدوین نشده رفتار آنها را هماهنگ می‌کند.

۱۲- فعالیت‌های گروه‌های فشار

فعالیت‌های گروه‌های سازمان یافته است که به منظور ترغیب نمایندگان برای به تصویب رساندن قوانینی که به نفع آنهاست یا به عقیده آنان باعث ارتقاء جامعه خواهد شد، [تلاش و] مبارزه می‌کنند. به این گروه‌ها گروه‌های منفعت‌طلب یا گروه‌های فشار می‌گویند.

۱۳- عرصه‌های فعالیت گروه‌های فشار

۱. ترغیب نمایندگان برای به تصویب رساندن قوانینی که به نفع آنهاست
۲. تلاش در سهیم شدن در قدرت
۳. تلاش در به دست آوردن فرصت‌های اقتصادی آموزشی و ...
۴. تلاش در به دست گرفتن فرهنگ عمومی جامعه با استفاده از رسانه‌های گروهی

۱۴- انواع گروه‌های فشار

۱. آنهایی که از منافع خودشان حمایت می‌کنند مانند اتحادیه‌های تجاری، اینها به گروه‌های تدافعی، حفاظتی، فشار معروفند.
۲. آنهایی است که تحت تأثیر سازمان‌های جهانی و به منظور جهانی سازی ابتکارات جدید را ترقی می‌دهند و استدلال می‌کنند که آنها منفعت جامعه را می‌خواهند اینها بعنوان گروه‌های ترقی‌خواه شناخته می‌شوند. مثلاً گروه فعال کودکان فقیر یا گروه‌های حمایت از حقوق زنان یا گروه‌های مرتبط با کمیته حمایت از حقوق بشر سازمان ملل که در کشورهای گوناگون فعالیت می‌کنند.

۳. آنهایی که بر اساس ایدئولوژی خاصی و برای نشر آن تفکر در سطح ملی یا بین‌المللی فعالیت می‌کنند.

۱۵- تفاوت گروه‌های فشار و احزاب سیاسی

۱. گروه‌های فشار بدنبال پیروزی در انتخابات نیستند بلکه بدنبال این هستند که بر اعضای پارلمان یا آنگائیکه دارای حاکمیت هستند نفوذ داشته باشند. در حالی که احزاب بدنبال کسب قدرت میباشند
۲. این که گروه‌های فشار بطور کلی بر یک قضیه بیشتر متمرکز می‌شوند در حالی که احزاب به موضوعات متفاوتی مثل شرکت در انتخابات، شرکت در هیئت دولت، استفاده از رسانه‌ها و ... که منافع آنها ایجاب کند، می‌پردازند.

۱۶- سازمان‌های غیر دولتی عاملی برای فشار بر دولت‌ها

- تعریف: سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا کنند.
- سازمان ملل: هرگونه سازمان بین‌المللی که از طریق پیمان و معاهده بین‌المللی ایجاد نشده است.
- اهمیت سازمانهای غیردولتی: فرایند جهانی‌سازی در قرن بیستم موجب اهمیت یافتن سازمانهای مردم‌نهاد شد. این سازمان‌ها برای فشار جهت هماهنگ کردن کشورهایی که دولت آنها چندان با سازمان‌های جهانی هماهنگ نیستند بسیار مفید می‌باشند. این سازمان‌ها با ظاهر تاکید بر مسائل بشردوستانه، و طرح کمک به توسعه و توسعه پایدار تاسیس شدند
- بودجه سازمان‌های غیردولتی: سازمانهای مردم‌نهاد بزرگ بودجه‌های سالانه چند میلیون دلاری دارند، به عنوان مثال، بودجه انجمن بازنشستگان آمریکا در سال ۱۹۹۹ بالای ۵۴۰ میلیون دلار بود.
- منابع تأمین بودجه سازمان‌های غیردولتی:
 ۱. موسسات بین‌المللی: مثل بودجه مصرفی دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ ۲۱/۷ میلیون دلار آمریکا بود.
 ۲. بخش اعظمی از بودجه سازمانهای مردم‌نهاد از محل حق عضویت در سازمان، فروش محصولات (تجاری) کالا و خدمات،
 ۳. کمک‌های مالی اعطا شده توسط موسسات بین‌المللی یا دولتها و
 ۴. کمک‌های مردمی تأمین می‌شود.
 ۵. هدایای اتحادیه اروپا که بسیار زیاد اعطا می‌شود، نیز می‌تواند تأمین کننده بودجه سازمانهای مردم‌نهاد باشد.

۱۷- هر یک از مفاهیم زیر را توضیح دهید:

- تعصب نژادی: هنگامی رخ می‌دهد که افراد تنها به خاطر این که به گروه قومی خاصی متعلقند، مورد تنفر قرار گیرند.
- نژاد پرستی: عبارت است از اعتقاد به این ایده که نژادهای متمایزی موجود بوده و برخی از آن نژادها نسبت به سایرین برترند.
- تبعیض نژادی (نژاد پرستی): هنگامی روی می‌دهد که افراد صرفاً به علت این که به گروه نژادی خاصی تعلق دارند با آنها به صورت نابرابر رفتار شود.

سوالات این درس

- ۱) گروه اجتماعی را تعریف کنید
- ۲) درباره گروه خودی و غیر خودی چه می‌دانید؟
- ۳) مرزبندی گروه‌ها چه نقشی در هم‌بستگی درون گروهی دارد؟
- ۴) تعصبات گروهی چه نتایجی دارد؟
- ۵) درباره مرزهای رسمی و غیر رسمی گروه‌ها چه می‌دانید؟
- ۶) گروه‌های نخستین و ثانویه چیستند؟
- ۷) درباره گروه مرجع چه می‌دانید؟
- ۸) آیا گروه‌های مرجع به مثبت و منفی تقسیم می‌شوند؟ چرا؟
- ۹) گروه چه ارتباطی با کنترل اجتماعی دارد؟
- ۱۰) درباره گروه‌های قومی و نژادی چه می‌دانید؟
- ۱۱) هر یک از مفاهیم زیر را توضیح دهید:
 - a. تعصب نژادی
 - b. نژاد پرستی
 - c. تبعیض نژادی (نژاد پرستی):
- ۱۲) گروه فشار چیست؟ و انواع آن را برشمارید:
- ۱۳) احزاب سیاسی چه ربطی به گروه‌های فشار دارند؟
- ۱۴) درباره سازمان‌های غیر دولتی (مردم نهاد) چه می‌دانید؟
- ۱۵) چرا سازمان‌های بین‌المللی متصدی حمایت مادی و معنوی از این نوع سازمان‌ها می‌باشند؟

درس نهم :

دوره‌های زندگی

تقسیمات عمده سن عبارتند از: ۱. کودکی؛ ۲. جوانی؛ ۳. بزرگسالی؛ ۴. پیری.

۱- کودکی

- آیین‌های گذر: مراسمی که طی آن به پسر یا دختر اعلام می‌شود که وارد دنیای بزرگسالان شده است.
- کارکردها:
 ۱. پذیرش کودک به جمع بزرگسالان: اولین اعلان عمومی در ارتباط با پذیرش جدید یک کودک به جمع بزرگسالان می‌شود.
 ۲. آمادگی برای پذیرش مسئولیتهای زندگی: به صورت رسمی کودک، بزرگسالی خود را به دیگران اعلام می‌کند. آمادگی پذیرش مسئولیتهای بزرگسالی می‌شود.
 ۳. مشخص بودن زمان ورود به دنیای جوانی

۲- جوانی

- ابهام در شروع جوانی: بلوغ جسمی - سن قانونی - ازدواج - استقلال اقتصادی - جداشدن از والدین
- فرهنگ جوانی: امروزه جوانان با رفتارها و هنجارها و ارزش‌های خاصی تشکیل خرده فرهنگ خاصی داده‌اند که آنها را از بقیه مردم جامعه متمایز می‌کند.

۳- ریشه‌های فرهنگ جوانی در ایران:

- **قسم اول: الگوهای دینی و اسلامی (انقلابی بودن)**
 عموماً جوانان مذهبی و مسجدی با الگو گرفتن از قهرمان‌های صدر اسلام خصوصاً جوانان کربلا، - علی‌الخصوص که با تکرار سالیانه عزاداری و یادآوری داستان عاشورا و اجرای مراسم دینی و تعزیه و آموزه‌های مذهبی خانواده‌ها درباره قهرمانان دینی، سعی می‌کنند همچون آنان اصولی را رعایت کنند. ولو در این مسیر مرارت‌های بیشماری متحمل شوند. این جوانان مقید به احکام شرعی و قوانین اسلامی بوده و کمتر انحراف اخلاقی در میان اینان دیده می‌شود. نمونه این جوانان را ما در جنگ داشتیم، و هنوز هم نمونه‌های بیشماری از تشکل‌های این نوع جوانان را می‌توان در مساجد و تکایا و خصوصاً در بسیج پیدا کرد.
- **قسم دوم: اهل فتوت و جوانمردی (بازمانده‌های دوره‌های فتوت از زمان صفاریان)**
 این دسته هم از قهرمانهای کربلا الگو می‌گیرند اما تفاوتشان با دسته اول در این است که اینان کمتر به شریعت مقید و پایبند می‌باشند و بیشتر به بخش جوانمردی جوانان کربلا توجه دارند خصوصاً به حضرت عباس ع ارادت خاصی دارند. این گروه چندان تقید به شرعیات و احکام دینی ندارند اما این عدم تقید به این معنا نیست که بی دین باشند بلکه سعی می‌کنند که این بی‌قیدی را در جوانمردی و دستگیری از ضعفا و امید شفاعت جبران کنند. اینان از طرفی می‌خواهند طبق هوی و هوس خود رفتار کنند ولی از طرفی هم دوست دارند که تا حد امکان اصولی رعایت نمایند. از طرفی به جوانمردی و دفاع از مظلوم تاکید دارند. اما در عین حال ناملایمات و ناهنجاری‌های اجتماعی زیادی نیز در این دسته دیده می‌شود.

اینان حتی لباس خاص و لهجه گفتاری خاصی و... داشتند. امروزه هرچند لوطی و لوطی‌گری به شکل سابق مرسوم نیست ولی رگه‌هایی از ارزش‌ها و هنجارهای لوطی‌گری و همچنین طرز تفکر آنها در میان بعضی از گروه‌های جوان در کشور ما موجود است.

• قسم سوم: تقلید از غرب

این قسم جدید بوده و سابقه تاریخی چندانی برای آنها در ایران سراغ نداریم بلکه ریشه در غرب داشته و بدن‌بال‌ها و الگوهای غربی بوده و می‌باشند:

بنابراین از آنجائی که الگوهای رفتاری این دسته از خرده فرهنگ‌های جوانی (قسم سوم) در ایران از الگوهای غربی نشأت گرفته لذا مناسب است تا علل توسعه فرهنگ جوانان غربی بطور خلاصه مورد بحث قرار گیرد.

۴- سرچشمه‌های فرهنگ جوانی در غرب

سه واقعیت مهم، که قطعا در درک زایش فرهنگ جوانی مهم می‌باشد، به قرار ذیل است:

۱- رشد ثروت جوانان اروپا در دهه ۱۹۵۰: دهه ۱۹۵۰ دوره‌ای بود که در آن تعداد نامحدودی از مشاغل و سطح دستمزدها در انگلستان سریعاً در حال رشد بود. نتیجه این امر، سرازیر شدن پول بیش‌تر به جیب مردم بود. مساله مهم آن‌که جوانان در این موفقیت شریک شدند، بدون این‌که دچار مخارج سنگین خانواده و بدهی‌های آن باشند. آنها می‌توانستند دستمزد خود را به دلخواه خود خرج کنند.

۲- پیشرفت ابزارهای جدید: در دهه ۱۹۳۰ پیشرفت‌هایی در صنعت ضبط صوت، صنعت فیلم و افزایش رادیو به وجود آمد. در دهه پنجاه، تلویزیون و پیشرفت فنی در ضبط صوت به این جمع اضافه شد. بازار بزرگ‌سالان به حد اشباع رسید. بنابراین، شرکت‌های تجاری به سوی جوانان تازه پولدار نشانه رفتند.

۳- تغییرات فرهنگی قرن بیستم: سرعت افزایش تغییرات فنی (به عنوان مثال: پیشرفت‌های رایانه‌ای در ده سال گذشته را تصور کنید) به مسئله شکاف نسلی دامن زده و الگوهای رفتاری را تحت تاثیر قرار داده بود؛ به این معنی که انتظارات، ارزش‌ها، عقاید و رفتار یک نسل کمتر به نسل بعدی منتقل می‌گردید.

۵- تنوعات فرهنگ جوانی (خرده فرهنگ‌های ایرانی معاصر)

۱. فرهنگ جوانان حزب اللهی: جوانان حزب اللهی که عمدتاً از خانواده‌های مذهبی و سنتی (و البته از طبقات و اقشار گوناگون جامعه) برخاسته‌اند، تشکیل فرهنگ خاص خودشان را داده‌اند که معمولاً با فرهنگ عمومی جامعه فرق می‌کند. این گونه افراد در جامعه ما وجود داشته و دارند قبل از انقلاب اسلامی ایران تعدادشان کمتر بود و همزمان با انقلاب به سرعت شکل یافته و شکل اجتماعی خاصی گرفتند و تشکیل گروه‌های اجتماعی و خرده فرهنگ خاص خودشان را دادند. با شروع جنگ تحمیلی دایره فعالیت اینان نیز گسترش یافت و در دوران جنگ به اوج خود رسید و از درون مرزهای ایران فراتر رفته و در اقصی نقاط جهان گسترش یافت به ویژه در کشورهای اسلامی همانند لبنان سوریه فلسطین به خاطر موقعیت خاص آن کشورها رشد بیشتری داشت.

۲. خرده فرهنگ لمپن‌ها: دسته لمپن‌ها یا به تعبیر مشخص آن در زبان فارسی «جاهل‌ها» همواره دارای خرده فرهنگ خاص خود بوده‌اند که آنان را از نظر رفتاری (خانواده، تفریح، لباس پوشیدن، سخن گفتن، راه رفتن، حرفه، محل سکونت، روابط

اجتماعی و... (.) از دیگران متفاوت می‌کند. اینان بازمانده‌های فرهنگی لوطی‌ها می‌باشند. به این معنا که بسیاری از ارزش‌های اجتماعی لوطی‌ها در اینان دیده می‌شود.

۳. **فرهنگ جوانی طبقه متوسط:** این جوانان که معمولاً از خانواده‌های تحصیل کرده و متوسط برخاسته‌اند به احتمال زیاد در نظام آموزشی تا گرفتن مدرک پیش‌دانشگاهی یا مدرک دانشگاهی باقی می‌مانند، شکل فرهنگ جوانی آنان به احتمال زیاد بر اساس زندگی دانشجویی استوار می‌باشد و اغلب با برخی اشکال اعتراض سیاسی در ارتباط می‌باشند. دوری از جهان واقعی در محیط‌های دانشگاهی به آسانی به آنان اجازه می‌دهد تا سبک‌های جدید زندگی و نگرش‌های نو را بدون امکان تنبیه شدن، مورد بررسی و امتحان قرار دهند.

۴. **خرده فرهنگ خیابانی جوانان:** مراد از فرهنگ خیابانی گروه‌های جوانی هستند که معمولاً بیشتر اوقات خود را در خیابان‌ها می‌گذرانند گاه این خرده فرهنگ، باعث مسائل اجتماعی شده و نگرانی بزرگترها را به همراه خواهد داشت. خرده فرهنگ خیابانی جوانان، معمولاً با لغزش‌های اجتماعی - فرهنگی در ارتباط است. و انواع بزه‌کاری اجتماعی همانند سرقت، مصرف مواد الکلی و مخدر و... از اینان دیده می‌شود.

۵. **خرده فرهنگ‌های منحرف:** انحراف در خرده فرهنگ جوانان خیابانی عمیق نبوده و شکل تفرنی دارد و آن‌ها با اشتغال به زندگی عادی برمیگردند اما در خرده فرهنگ جوانان منحرف، انحراف شکل عمیق داشته و جزء شخصیت آن‌ها درآمده است اینان معمولاً تشکیل باندهای فساد و سرقت داده و به صورت سازمان‌یافته اقدام به قانون شکنی می‌کنند. امروزه رشد برخی از خرده فرهنگ‌های منحرف در بین نوجوانان و جوانان زنگ خطر افزایش جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی است: افزایش شاخص‌هایی مثل سنت گریزی، فرهنگ گریزی، احساس تنهایی و بیگانگی اجتماعی، کاهش گرایش‌های مذهبی و اخلاقی و گرایش به تجملات و خوشگذرانی

۶- عوامل مؤثر بر فرهنگ‌های جوانی

۱. **گروه همسالان:** از آنجا که گروه همسالان تقریباً هم‌سن یکدیگرند، و احساس برابری می‌کنند، معمولاً از معیارهای مشترکی که به اشخاص مسؤل گروه مرتبط است پیروی می‌کنند. گروه همسالان به عنوان عامل اجتماعی ساختن کودک در دوران بلوغ به اوج اهمیت و تأثیر خود می‌رسد. در این هنگام کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می‌شود و پذیرش ارزش‌های گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در گروه کمک می‌کند.

۲. **تهدید خارجی:** تأثیر مستقیمی روی رفتار جوانان کشور به جای می‌گذارد. جنگ موجب وحدت و همبستگی جوانان (از طبقه پایین گرفته تا جوانان طبقه سرمایه‌دار) می‌گردد. و بدنبال آن جوانان شرکت کننده در جنگ فرهنگی متناسب با ارزش‌های ملی آن جامعه را بوجود می‌آورند.

۳. **تجارت و بازار:** تجارت و کسب سود یکی از عوامل بسیار مؤثر بر فرهنگ‌های جوانی (خصوصاً مدهای غربی) می‌باشد. فضائی که گروه‌های جوان در آن قرار می‌گیرند، در واقع ارتباط نزدیکی با کالاهای مصرفی دارد. در اینجا بازارهای تولیدی دقیقاً در راستای فعالیت‌های کاربردی جوانان قرار می‌گیرند و باعث می‌شوند و تولیداتی از قبیل اتومبیل، موتور، وسایل آرایشی، دیسکت‌ها، وسایل موزیک، دستگاه‌های فیلم‌برداری و غیره، با تولید انبوه و با ارزش نمادی برای جوانان اقدام نمایند.

۴. **رسانه‌های جمعی:** رسانه‌های جمعی (بر اساس نوع موضع‌گیری هایشان) هم می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم آنها را آشفته سازند. بنابراین رسانه‌های گروهی می‌توانند در راستای تجارت و کسب سود بیشتر و البته در خدمت صاحبان ثروت و قدرت، فرهنگ‌های خاص جوانی را شکل دهند یا در گسترش آن موثر باشند. به این معنا که مدهای خاصی را تقویت یا تضعیف کنند و یا مد جدیدی معرفی نمایند. و البته با ایجاد مد جدید می‌توان انتظار داشت که خرده فرهنگ خاصی نیز در همان راستا شکل گیرد.
۵. **مذهب و اعتقادات دینی:** همانطور که سابقاً نیز اشاره شد یکی از عوامل مهم در فرهنگ، هنجارها و ارزش‌ها می‌باشند و گفته شده که هنجارهای و ارزش‌ها نیز به نوبه خود از اعتقادات و باروها سرچشمه می‌گیرند بنابراین یکی از عوامل فرهنگ ساز، اعتقادات مشترک می‌باشد که خصوصاً در مواقع خاص بیشتر خودنمایی می‌کند مثلاً وقتی که اعتقادات دینی گروهی تهدید به نابودی شود، همبستگی اجتماعی در میان آن گروه خصوصاً جوانان مذهبی آنان بسیار بیشتر شده و برای حفظ ارزش‌های خود، سعی می‌کنند حتی المقدور در اجتماعات مذهبی شرکت نمایند.
۶. **شکاف نسل‌ها:** نسل به مفهوم گروهی که دارای رشد و حیات و تجارب مشترک جامعه پذیری هستند، می‌باشد. نسل‌ها از طریق حوادث سیاسی یا فرهنگی جامعه بازشناسی می‌شوند. مسئله شکاف نسل‌ها چیزی نیست که بتوان براحتی از کنار آن گذشت، بلکه یک مشکل اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا شکاف نسل‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و هنجارهای یک نسل به نسل بعدی منتقل نشود. بنابراین اگر در جامعه‌ای ارزش‌ها و هنجارهای نسل قبلی به نسل بعدی منتقل نگردد. جامعه هویت ملی و مذهبی خود را از دست داده و معلوم نیست فردای آن چگونه خواهد بود.
۷. **دانشگاه:** جوان با ادامه تحصیل در دانشگاه انواع اطلاعات، شناخت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی را یاد می‌گیرد که در دوره مدرسه نیاموخته بود. علاوه بر اینکه دانشگاه محیط خوبی برای کنش متقابل همسالان می‌باشد لذا دیده شده که دانشجویان از یک سری ارزش‌ها و هنجارهای خاصی پیروی می‌کنند که در جوانان سایر اقشار کمتر مشاهده می‌شود.

۷- سالخورده‌ها

در گذشته، به دلایلی سالخورده‌ها از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند.

۱. **تعداد اندک سالخورده‌ها:** در تاریخ هرگز این مقدار افراد پیر و سالخورده وجود نداشت.
۲. **داشتن تجارب ارزنده در زندگی:** در جوامع زراعی که تغییر اندکی رخ داده، هر نسلی از نسل قبلی یاد می‌گیرد، سالخورده‌ها چه بسا توصیه‌های مناسبی برای ارائه به نسل جوان‌تر داشته‌اند.
۳. **توصیه‌های مذهبی در خصوص احترام به والدین:** برخی از ادیان همانند اسلام توصیه‌های اکیدی در رابطه با احترام به والدین دارند. که موجب می‌شد احترام به آنها تضمین گردد خصوصاً اگر فرد پیری دارای فرزندان زیادی بود و در نتیجه بزرگ یک خاندان محسوب می‌شد.
۴. **اهمیت داشتن تجارب یک نسل برای نسل‌های بعد**

سؤالات این درس

- (۱) دوره کودکی را توصیف کنید
- (۲) آیین‌های گذر در چه جوامعی وجود دارد؟ و چه نقشی در جامعه و شخصیت نوجوانان دارد؟
- (۳) جوانی را توصیف کنید:
- (۴) ریشه‌های فرهنگ جوانی در ایران را برشمرده و توضیح دهید:
- (۵) سرچشمه‌های فرهنگ جوانی در غرب را نامبرده و شرح دهید:
- (۶) آیا سن می‌تواند خرده فرهنگ خاصی را موجب شود
- (۷) انواع خرده فرهنگ‌های ایرانی معاصر را نام ببرید:
- (۸) عوامل مؤثر بر فرهنگ‌های جوانی را نام برده و شرح دهید:
- (۹) تجارت چگونه می‌تواند بر خرده فرهنگ‌های جوانی تأثیر داشته باشد یک نمونه را ذکر کنید
- (۱۰) شاخص‌های فرهنگ جوانی را در چه اموری می‌توان دید شرح دهید:
- (۱۱) درباره کارکرد فرهنگ‌های جوانی چه میدانید
- (۱۲) چرا در گذشته سالخوده‌ها از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند؟ دلایل خود را شرح دهید:

درس دهم:

نهادهای اجتماعی

۱- **تعریف نهاد:** نهاد نظام نسبتاً پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای نظارت شده و یکسان با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه را در بر می‌گیرد.

نهادی شدن (نهادینه شدن): فرایند از توسعه منظمی از هنجارها، پایگاه‌ها و نقش‌های مشخص و به هم پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده باشد.

تفاوت نهاد و انجمن: انجمن عبارت است از گروهی سازمان یافته که دارای ساخت و هویت است، اما نهاد هویت و افراد مشخص ندارد. نهاد، شیوه‌های سازمان یافته و استقرار یافته‌ای است که اگر اعضای آن بخواهند به یک هدف جمعی نایل شوند باید از آن شیوه‌ها پیروی کنند.

۲- ویژگی‌های نهاد اجتماعی

هدف هر نهاد ارضای نیاز اجتماعی معین است.

۱. هر نهاد متضمن ارزش‌های نهایی است که اعضا در آن مشارکت دارد.
۲. به طور نسبی پایدارند، تا حدی که الگوهای ثابت رفتار درون نهادها به صورت بخشی از سنت و فرهنگ مرسوم جامعه است.
۳. عام و گسترده‌اند؛ به طوری که هر تغییر چشمگیر در یک نهاد به احتمال، موجب تغییر در نهاد های دیگر می‌شود.
۴. هر کدام به تنهایی بر مبنای شبکه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها، و الگوهای رفتاری مورد انتظار، به حدّ اعلا ساخت و سازمان یافته‌اند. (مثل هنجارهای ارتقای تحصیلی در خصوص نهاد آموزش)
۵. آرمان‌های یک نهاد را معمولاً بخش عظیمی از اعضای جامعه پذیرفته‌اند هرچند فعلاً در آن مشارکت ندارند مثل جوانی که ازدواج نکرده.

۳- انواع نهاد

۱. نهاد خانواده.
۲. نهاد پرورشی. (آموزش و پرورش)
۳. نهاد حکومت (سیاست).
۴. نهاد دین.
۵. نهاد اقتصاد.

۴- کارکرد مشترک بین همه نهادها

۱. الگوی رفتاری در اختیار افراد قرار می‌گیرد یعنی سیستم بایدها و نبایدها را مشخص کند.
۲. نقش افراد را مشخص می‌کنند.
۳. به افراد می‌آموزند که بهترین شیوه رفتار همان رفتار نهادینه شده است.

۴. در رفتار افراد نظارت می‌کنند.

۵- **مناسبات بین نهادها:** در صورت تداخل وظایف نهادها (وظایف خانواده با نهاد آموزش یا اقتصاد) یکی بر دیگری یا سایرین مسلط خواهد شد.

رقابت میان نهادها: رقابت زمانی است که نهاد با داشتن انواع کارکردهای اساسی با نهاد دیگری که همان کارکرد را انجام می‌دهد رقابت کند.

۶- **هم کاری بین نهادها:** هم کاری میان نهادها وقتی اتفاق می‌افتد که یک نهاد نفوذ موثرتری بر دیگر نهادها داشته باشد. مثلاً در جمهوری اسلامی نهاد دین و حکومت همکاری نزدیکی با هم دارند.

۷- عناصر و خصوصیات مشترک نهادها

۱. **نماد فرهنگی:** با نشانه‌هایی مشخص می‌شود که یادآور حضور یک نهاد به شمار می‌رود. مثل حلقه ازدواج و تبلیغات انتخاباتی

۲. **قواعد رفتار:** دربرگیرنده مقررات رسمی و سنن غیر رسمی رفتار است که برای برخی نقش‌ها مناسبند. مثل مشارکت عمومی در انتخابات

۳. **اصول اعتقادی:** نظامی از افکار مرتبط به هم که اعضای یک گروه به طور دسته جمعی در آن مشارکت دارند. مثل اعتقاد به اینکه باید رأی داد.

۸- تمایز ساختاری نهادها در جامعه مدرن

در جوامع سنتی نهادها در هم تداخل داشتند و گاهی یک نهاد مثل خانواده متضمن چندین نهاد دیگر بود اما در جوامع جدید هر نهادی از سایر نهادها کاملاً جدا شده است.

پیامدهای تمایز ساختاری:

۱. **عدم هماهنگی بین نهادها**

۲. **نیاز به سازمان‌های واسطه‌ای جهت هماهنگی و همسازی بین نهادهای تمایز یافته**

علت ناهماهنگی بین نهادها:

۱. **ستیز ارزش‌های سنتی و مدرن جامعه**

۲. **توسعه ناموزون**

پیامد فقدان ناهماهنگی بین نهادها:

۱. **آشفتگی اجتماعی**

۲. **خسونت‌های اجتماعی**

۳. **شورش سیاسی**

۴. **انقلاب**

۵. **جنگ داخلی**

سوالات این درس

- (۱) نهاد را تعریف کنید:
- (۲) نهادی شدن یعنی چه و چه تفاوتی با معنای نهاد دارد؟
- (۳) نهاد و انجمن چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟
- (۴) ویژگی‌های نهاد اجتماعی را برشمارید:
- (۵) انواع نهاد اجتماعی را نام ببرید:
- (۶) کارکرد آشکار و پنهان نهادهای اجتماعی را برشمارید:
- (۷) کارکرد مشترک بین همه نهادها را برشمارید:
- (۸) مناسبات بین نهادها چگونه می‌توان ترسیم کرد؟
- (۹) آیا کارکرد نهادها جابجایی دارند؟ چگونه؟
- (۱۰) عناصر و خصوصیات مشترک نهادها را برشمرده توضیح دهید:
- (۱۱) درباره تمایز ساختاری نهادها در جامعه مدرن چه می‌دانید؟
- (۱۲) تمایز ساختاری چه پیامدهای دارد؟

درس یازدهم:

نهاد سیاست و حکومت

۱- **تعریف حکومت (دولت):** حکومت یک دستگاه سیاسی (نهادهای حکومتی، مانند دادگاه، پارلمان یا کنگره، به علاوه مقامات اداری) بر قلمرو معینی حکومت کند، و اقتدار آن به وسیله یک نظام حقوقی و توانایی استفاده از زور برای اجرای سیاست‌هایش پشتیبانی شود. به عبارت دیگر: به معنای اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیمات از سوی مقامات اداری در درون یک دستگاه سیاسی است.

۲- **تعریف قدرت:** قدرت عبارت است از: توانایی کنترل رفتار دیگران.

۳- **تعریف قدرت اجتماعی:** شخصی که می‌تواند اعمال و رفتار اطرافیانش را به نحو موثری تحت کنترل خود درآورد از قدرت اجتماعی برخوردار است، (اعم از بکار گرفتن زور یا بدون استفاده از زور)

۴- **منابع قدرت:**

۱. ثروت مادی
۲. سمت بلند پایه اداری
۳. توانایی ایجاد و حفظ شغل پردرآمد (همانند کسی که مدیر یا صاحب یک کارخانه می‌باشد).
۴. توانایی بدست آوردن قدرت سیاسی
۵. داشتن منزلت اجتماعی
۶. داشتن موقعیت دینی (مخصوص جوامع مذهبی است، مثل اجتهاد و مرجعیت)

۵- **تعریف اقتدار:** اقتدار عبارت است از آن چیزی که به قدرت مشروعیت می‌بخشد. (موجب می‌شود که زیردستان بدون بکارگیری زور از او اطاعت کنند).

۶- **نفوذ:** فردی که بدون داشتن یک سمت رسمی می‌تواند بر رفتار دیگران تأثیر بگذارد. دارای نفوذ است.

۷- **تفاوت نفوذ و اقتدار:** اقتدار از قدرت رسمی به وجود می‌آید ولی نفوذ از قدرت غیر رسمی سرچشمه می‌گیرد.

۸- **انواع اقتدار از نظر ماکس وبر:**

ماکس وبر انواع اقتدار را به سه گونه زیر تقسیم کرده است:

۱. **اقتدار کاریزماتیک:** در این نوع اقتدار مردم از شخصی بخاطر اوصاف استثنایی و بی نظیری که دارد پیروی می‌کنند. این نوع از شخصیت‌ها معمولاً در دوره‌های بحران اجتماعی بزرگ برای مبارزه با حاکمیت قبلی ظهور می‌یابند. شخصی کاریزما، ممکن است یک فرد خوب یا بد باشد مانند: عیسی مسیح، لنین، هیتلر
۲. **اقتدار سنتی:** در این نوع اقتدار کسانی است که قدرت را بر اساس عادت و بنحو سنتی در اختیار دارند. زیرا آن‌ها یک سنت (تاریخی) را تداوم می‌بخشند و حامی ارزش‌ها و پیوندهای اجتماعی موجود هستند، مانند قدرت خاندان سلطنتی.
۳. **اقتدار قانونی:** در این نوع کسانی که دارای حاکمیت هستند از این جهت دستوراتی می‌دهند که این شغل/پست به آن‌ها چنین حقی را می‌دهد. چه، هر کس در چنان شغل حق دارد تا فرامین صادر کنند. اقتدار یک امر شخصی نیست.
- البته باید توجه داشت که تنها دستوراتی اطاعت می‌شود که مربوط به آن شغل باشد. این شکل نوعی اقتدار در اکثر جوامع امروزه دنیا وجود دارد.
- اشکال تقسیم‌بندی وبر: در این تقسیم‌بندی جایگاهی برای اقتدار دینی وجود ندارد؛ زیرا با توجه به اینکه جامعه‌شناسان دین را به عنوان عناصر فرهنگ‌های جوامع عقب مانده معرفی کردند طبیعی است که اقتدار دینی را هم در بخش اقتدار سنتی قرار دهند، در حالی که ما گفتیم این نوع تفکر درباره دین غیر علمی و جانبدارانه است؛ و دین مختص جوامع عقب مانده نیست. بلکه چیز عام و فراگیری است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود خواهد داشت و دارد.

۹- کارکردهای حکومت

۱. حراست و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی
۲. تامین امنیت و حفظ نظم در جامعه
۳. تامین کالاهای اساسی و خدمات برای اعضای جامعه
۴. مجازات افرادی که در جامعه مهم‌ترین هنجارها را نقض می‌کنند. (نهادی ساختن هنجارها)
۵. حل مناقشات موجود میان اعضای جامعه
۶. ارائه خدمات اجتماعی نظیر بهداشت، آموزش و پرورش و ...

۱۰- تعریف دولت ملی

دولت ملی به یک دستگاه سیاسی اطلاق می‌شود که در محدوده مرزهای یک قلمرو و سرزمینی مشخص حق حاکمیت دارد، می‌تواند از ادعای حاکمیت خود با کنترل قدرت نظامی پشتیبانی کند، و بسیاری از شهروندانش احساس مثبت تعهد نسبت به هویت ملی آن دارند.

۱۱- تفاوت‌های دولت ملی (مدرن) با حکومت‌های سنتی

۱. مشخص بودن مرزها در دولت ملی: قلمروهای تحت حاکمیت دولت‌های سنتی همیشه به طور ناقص تعریف شده بودند، و میزان کنترلی که توسط حکومت مرکزی اعمال می‌گردید کاملاً ضعیف بود.
۲. شناخت کامل طرفین دولت و ملت از هم و احساس تعلق به هم: در دولت‌های سنتی، بیشتر جمعیتی که تحت حکومت شاه یا امپراتور بودند کسانی را که بر آن‌ها حکومت می‌کردند، چندان نمیشناختند و علاقه‌ای نیز به آن‌ها نداشتند. معمولاً فقط

طبقات مسلط، یا گروه‌های مرفه‌تر نوعی احساس تعلق به یک اجتماع کلی از کسانی که تحت حکومت آن فرمانروا بودند داشتند. برعکس، در دولت‌های ملی، بیشتر کسانی که در محوده مرزهای نظام سیاسی زندگی می‌کنند شهروند هستند، یعنی افرادی که دارای حقوق و وظایف مشترک بوده، و خودشان را جزئی از یک ملت می‌دانند.

۳. ارتباط دولت ملی با ناسیونالیسم: دولت‌های ملی با ظهور ناسیونالیسم در ارتباط‌اند. ناسیونالیسم را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از نمادهای و باورها که حس تعلق به یک اجتماع سیاسی را به وجود می‌آورند تعریف کرد. بدین سان، افراد نوعی سربلندی و تعلق در بریتانیایی امریکایی یا فرانسوی بودن احساس می‌کنند.

۱۲- حقوق شهروندی از نظر تی اچ مارشال

۱. حقوق مدنی: شامل آزادی (بیان، عقاید، محل زندگی) / حق مالکیت / دادرسی یکسان
۲. حقوق سیاسی: حق انتخاب شدن و انتخاب کردن
۳. حقوق اجتماعی: حق هر فرد در برخورداری از حداقل‌های زندگی از نظر اقتصادی و امنیتی، حق درمان، حق کار، تعیین حداقل دستمزد، حق آموزش، حق کارافتادگی، حق بازنشستگی، و سایر خدمات رفاهی و دولتی

۱۳- دموکراسی

این واژه از اصطلاح یونانی دموکراتیا ریشه گرفته است، که از دو قسمت دمو (مردم) و کراتوس (حکومت)، تشکیل شده، و بنابراین، اساساً به معنای نظامی سیاسی است که در آن مردم، نه شاهان یا اشراف، حکومت می‌کنند.

۱۴- سوالات مهم در تعریف

- مردم چه کسانی هستند؟ (صاحب‌ات ثروت، سفید پوستان، یهودیان، تحصیل کرده‌ها، بزرگسالان و
دامنه حکم راندن تا چه حدی باید باشد؟ (تنها عرصه عمومی، عرصه خصوصی، هر کجا امنیت اقتضا کند،
حدود اطاعت مردم چه قدر است؟ کجا می‌توانند مخالفت کنند؟ حکومت کجا مجاز به کاربرد زور است؟

۱۵- انواع دموکراسی به لحاظ شکل و صورت

۱. نظام‌های نمایندگی چند حزبی: دموکراسی نمایندگی چند حزبی در هر یک یا همه این سطوح هنگامی که رأی دهندگان دست کم می‌توانند از میان دو حزب در فرآیند سیاسی یکی را انتخاب کنند، یافت می‌شود. ایالات متحده، کشورهای اروپای غربی، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند همه در این دسته قرار می‌گیرند.
۲. نظام‌های نمایندگی یک حزبی: هرگاه مردمی که در غرب زندگی می‌کنند اصطلاح دموکراسی را به طور مطلق به کار برند، معمولاً به نظام‌های دموکراتیک لیبرال اشاره می‌کنند. با وجود این، شوروی، جوامع اروپای شرقی، و بسیاری از کشورهای جهان سوم که در آن‌ها عملاً یک حزب وجود دارد (مانند چین)، نیز خود را دموکراسی می‌دانند. در این کشورها، در حالی که رأی دهندگان امکان انتخاب از میان احزاب مختلف را ندارند، انتخاباتی وجود دارند که از طریق آن‌ها نمایندگان در سطوح مختلف محلی و ملی تعیین می‌شوند. اصلی که معمولاً در اساس دموکراسی نمایندگی یک حزبی قرار دارد این است که حزب واحد اراده فراگیر اجتماع را بیان می‌کند.

۳. **دموکراسی مشارکتی (یا دموکراسی مستقیم):** در دموکراسی مشارکتی تصمیمات به طور جمعی توسط افراد ذی‌ربط گرفته می‌شود. این نوع آغازین دموکراسی بود که در یونان باستان یافت می‌شد. اقلیت کوچکی از جامعه، که شهروندان نامیده می‌شدند، برای بررسی سیاست‌ها و گرفتن تصمیمات مهم به طور منظم گرد هم می‌آمدند. دموکراسی مشارکتی در جوامع امروزی، که توده مردم از حقوق سیاسی بهره‌مندند، و برای همه غیر ممکن است که در گرفتن کلیه تصمیماتی که به آنها مربوط می‌شود فعالانه مشارکت کنند، دارای اهمیت محدود است. شکل‌های امروزی: رفراندوم در سطح ملی / گردهمایی‌های اجتماعات کوچک در سطح محلی

۱۶- انواع دموکراسی به لحاظ محتوا

۱. لیبرال دموکراسی

۲. سوسیال دموکراسی

۳. دموکراسی اسلامی

۱۷- دموکراسی و نخبه‌گرایی

۱. **نظریه ماکس وبر:** دموکراسی مشارکتی به عنوان وسیله حکومت منظم در جوامع بزرگ غیر ممکن است. زیرا اداره یک جامعه پیچیده مستلزم تخصص است. وبر معتقد است که دموکراسی مشارکتی فقط در سازمانهای کوچک که وظایفی که باید انجام شود نسبتاً ساده و روشن است می‌تواند کارکرد داشته باشد. در جایی که باید تصمیمات پیچیده‌تر گرفته شده و یا سیاست‌ها با دقت طرح شوند؛ حتی در گروه‌های نه چندان بزرگ - مانند یک شرکت بازرگانی - دانش تخصصی و مهارت ضروری است.

۲. **نظریه جوزف شومپتر:** دموکراسی بیشتر به عنوان روشی برای ایجاد حکومت کارآمد و مسئول اهمیت دارد، سیاستمداران سوداگران رأی هستند همان‌گونه که دلالت سوداگران سهام در بازار بورس آند. اما، برای دستیابی به حمایت رأی دهندگان، سیاستمداران می‌یابد دست کم اندکی نسبت به خواست‌ها و منافع انتخاب کنندگان پاسخگو باشند.

۳. **نظریه کثرت‌گرا:** سیاست‌های حکومتی در دموکراسی تحت تأثیر فرایندهای دایمی چانه زدن بین گروه‌های متعددی که نماینده منافع مختلف اند - سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های قومی، سازمان‌های حفظ محیط زیست، گروه‌های مذهبی و غیره - قرار می‌گیرد.

۴. **نظریه پاره‌تو و موسکا:** همواره در هر جامعه‌ای اقلیتی وجود دارد که عملاً حکومت را در اختیار دارد. ویژگی تمایز بخش دموکراسی به عنوان یک شکل از حکومت آن است که اجازه تشکیل آزادانه گروه‌های نخبه را می‌دهد و میان آنها بر سر تصرف مواضع قدرت، رقابتی منظم برقرار می‌سازد. تا بر مبنای شایستگی افراد عضوگیری نمایند زیرا «فرصت‌های زندگی «به معنای «فرصت ارتقاء در نظام قشر بندی اجتماعی» یکسان توزیع نشده است و احتمال اینکه برخی از ابتدای تولد بتوان برای آنها ریاست را و برای برخی دیگر کارگری را پیش‌بینی کرد هنوز هم زیاد است.

۱۸- توتالیتراریسم

- تعریف «کارل فریدریش» شاید نافذترین تعریف توتالیتراریسم باشد. به نظر فریدریش توتالیتراریسم شامل چهار عنصر است:
۱. ایدئولوژی کل گرا- مجموعه‌ای از اصول عقاید سیاسی فراگیر، که همه می‌باید به آن وفادار باشند (برای مثال وفاداری بی‌چون و چرا نسبت به میهن که نازیها بر آن تأکید می‌کردند).
 ۲. حزب واحد که نسبت به این ایدئولوژی متعهد است و معمولاً توسط یک فرد، یک دیکتاتور، رهبری می‌شود.
 ۳. پلیس مخفی، که افرادی را که گفته می‌شود دشمنان رژیم هستند یافته و کیفر می‌دهد.
 ۴. کنترل انحصاری سازمان‌های اقتصادی، رسانه‌های همگانی و ارتش.

سوالات این درس

- ۱) دولت را تعریف کنید:
- ۲) ماهیت قدرت چیست؟
- ۳) قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی را تعریف کنید:
- ۴) منابع قدرت کدامند؟
- ۵) اقتدار چیست؟ و انواع آن از نظر ماکس وبر کدامند؟
- ۶) چه اشکالی بر تقسیم‌بندی وبر وارد است؟
- ۷) نفوذ چیست؟ و چه تفاوتی با اقتدار دارد؟
- ۸) حکومت چه کارکردهایی دارد؟
- ۹) چه ارتباطی بین قانون و استفاده از زور می‌بینید؟
- ۱۰) دولت ملی را تعریف کنید:
- ۱۱) سه نوع حقوق شهروندی را شرح دهید
- ۱۲) دموکراسی به لحاظ شکل و ساختار به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؟ نام برده شرح دهید:
- ۱۳) انواع دموکراسی به لحاظ محتوا را نام برده شرح دهید
- ۱۴) دیدگاه ماکس وبر درباره نخبه‌گرایی و دموکراتیک را شرح دهید
- ۱۵) درباره اندیشه‌های جوزف شومپتر چه می‌دانید؟
- ۱۶) چه کسانی عملاً حکومت می‌کنند؟
- ۱۷) توتالیتراریسم را تعریف کنید